



امام مہدی  
(ع)  
امید ملتہا

ترجمہ

محمد عارف مجید پان

حاجن مونسار الصّفار

امام مهدي

(ع)

اميد مآنها

مؤلف: حسن موسى الصفار

مترجم: محمد علي مجيديان



نشر آفاق

امام مهدی (ع) امید ملتها

مؤلف: حسن موسی الصفار

مترجم: محمد علی مجیدیان

چاپ اول: پانزدهم شعبان المعظم ۱۴۰۳

پخش: دفتر نشر کوکب

خیابان انقلاب، خیابان ابوذر (صفی عیاشاه). شماره ۱/۱۵ تلفن: ۳۰۰۹۵۶

حق چاپ برای ناشر محفوظ است.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَأُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي  
الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ  
الْوَارِثِينَ.

«قصص—۵»

وما اراده كرديم كه بر آن طائفة ضعیف ذلیل  
در آن سرزمین ممت گذارده و آنان را  
پیشوایان خلق قرار دهیم و وارث ملک و  
جان فرعونیان گردانیم.

فهرست مندرجات:

## فهرست مندرجات :

۱۱	پشگفتار .....
۲۱	امید ملتها: .....
۲۶	اوراق تاریخ کهن .....
۳۰	پرونده‌های تاریخ جدید .....
۳۳	واقعیت در عصر حاضر .....
۳۶	آینده بشریت .....
۴۰	چگونه می‌توان نجات یافت .....
۴۱	اسلام مکتب امیدبخش .....
۴۲	آینده بشریت از دیدگاه قرآن .....
۴۶	چگونه این آرزو بوقوع می‌پیوندد؟ .....
۴۷	احادیث چه می‌گویند؟ .....
۴۸	اهتمام امت .....
۵۳	نمونه‌ای از احادیث .....
۵۷	رهبر موعود: .....
۵۹	تابش پرتو امید .....
۶۰	اهل بیت - مخالفت و مبارزه‌پی گیر .....
۶۲	امام حسن عسکری - رهبری دانا و حکیم .....
۶۵	جلوه‌های فجر .....
۶۷	نوری درخشید .....
۷۲	اعلام آرام .....
۸۱	هم اکنون، عمر او ۱۱۴۳ سال است .....
۸۹	تا کی؟ .....
۱۱۵	درانتظار .....

پشگفتار

«اللَّهُمَّ أَرِنَا الْقُلُوعَةَ الرَّشِيدَةَ وَالْفُرَّةَ  
الْحَمِيدَةَ وَاجْعَلْ نَاطِرِي بِنُظْرَةِ مَنِي  
إِلَيْهِ وَعَجِّلْ فَرَجَهُ...»

(امام صادق - دعای عهد)

راستی که انسان، این دردانه آفرینش و ناز پرورده  
خلقت، در طول تاریخ زندگی خود دچار چه بلاها و مشکلاتی  
که نشده است؟ استثمار و بردگی، استعمار و جنگ و  
تبعیضات نژادی و فقر... همه و همه از دیرباز گریبانگیر او  
بوده و لذات زندگی مادی را برا و حرام کرده است.  
آنهنگام که به ژرفای تاریخ بشریت بنگریم در میان  
اوراق و اسناد گذشته، برگی را نمی یابیم که آدمی - این  
اشرف موجودات و خلیفه خدا در زمین - شاهد درد و رنج، ظلم  
و جور، مشقت و بدبختی نباشد. گوئی که آلام و رنجها تشکیل



دهنده و شالوده‌آسایی صحنه‌های زندگی بشر بوده است و فراغته و چنگیزها و حجاج‌ها مسئول برپائی و کارگردانی این صحنه‌ها.

انسان، بعنوان عامل اصلی و درگیر با این مسائل، خود را برای مبارزه با این بلا یا آماده نموده و بطور مداوم در ستیز بوده است تا شاید این جدال را پایان بخشد و زندگی خویش را نجات دهد؛ اما نتیجه‌ای جز یأس و ناامیدی عایدش نگشته است.

مصلحین و اندیشمندان جوامع بشری در جستجوی راهی که پیام‌آور آینده‌ای روشن و نویدبخش خوشبختی و شادکامی باشد آرزوهای خویش را در جوامعی ایده‌آل چون «مدینه فاضله» و «شهر خورشید» مجسم می‌سازند که متأسفانه جز یک طرح غیر عملی و رؤیائی بیش جلوه ننموده است.

با گذشت از تاریخ کهن، به دوره فرهنگ و تمدن بشری نزدیک می‌شویم تا شاید که با شکوفائی علم و پیشرفتهای شگفت‌آور تکنیک، شاهد از بین رفتن ظلم و تبعیض و گسترش عدل و آزادی باشیم. اما با تأسفی دردبار، این آرزو نیز تحقق نمی‌یابد و بشریت بطوری بیش از پیش مورد حمله و تجاوز و ظلم قرار گرفته که گذشته تاریک خویش را از یاد می‌برد.

کشتار جنایت‌بار جنگ اول و دوم جهانی با بجای گذاشتن میلیون‌ها کشته و زخمی و جنگهای بین بریتانیای

کبیر و چین، الجزائر و فرانسه، امریکا و ویتنام، اسرائیل و فلسطین و لبنان و نیز نبردهای دیگر، روی جنایتکاران گذشته تاریخ را سپید نمود و آوارگی و سرگردانی، بیماری و درد، اسارت و گرسنگی و بدبختی و مشقت را برای انسان معاصر به ارمغان آورد که برآستی جنایات نابخشودنی عصر ماست.

و همانگونه که در گذشته مصلحین جوامع بشری جز با بیان آرزوهای خویش برای انسان ره‌آوردی نداشتند؛ روشنفکران و متفکران معاصر و جوامع تشکیل شده از سوی آنان چون سازمان ملل و شورای امنیت و سازمان عفو بین‌المللی و صدها سازمان و گروه و دسته دیگر که با اهداف خیرخواهانه و عقل‌پسندانه آغاز بکار نموده‌اند نیز برای آدمی همچون طبلی توخالی بوده‌اند که هرگز نوائی سر نداده‌اند که مرحمی بر زخمهای پیکر او باشد، و لذاست که آنان را در تأمین خوشبختی و امنیت و آرامش ناتوان می‌بیند.

بهر صورت روز به روز و لحظه بلحظه که، وضع تاریک و مشقت‌بار بشریت تیره‌تر می‌شود بایستی زمینه گسترش نومیدی درپهنه گیتی بیشتر گردد. اما شگفت‌آور آنکه این انسان زجر کشیده و ستم‌دیده ز بار این همه شکنجه و درد و با پایمال شدن حیثیت انسانی‌اش و ملاحظه و خیم‌تر شدن اوضاع هنوز مأیوس نشده و شعله امید را در درون خویش، روشن نگهداشته است.

باید دید که این چه نیروئی است که نمی‌گذارد رشته امید آدمی قطع گردد و مأیوس و ناامید از همه جا و هر نیروئی

خود را تسلیم به حوادث روزگار نماید؟ این چه جاذبه‌ای است که با کشش خویش، محرومین و مستضعفین جهان را بسوی خود می‌خواند و آنها را به آینده‌ای نیکو، خوشبین و امیدوار می‌سازد؟ این چه پیام و نویدی است که علی‌رغم همه ناراحتی‌ها و مشکلات، هنوز در نظر انسانها معتبر و قابل اجراست؟ و در انتظار آن بایستی تمام این لحظات دردآلود را تحمل نمود؟ جز نویدی الهی که پیام‌آوری آسمانی و پاک آنرا بر بشر بشارت داده باشد کدام وعده و بشارتی چنین نفوذ و قدرتی خواهد داشت؟

بلی، پیام‌آوران الهی در طول تاریخ همواره امت ستم‌کشیده خویش را به فرجامی نیکو و ایده‌آل بشارت داده و سرانجام، پیروزی و سعادت و کامیابی را از آن مستضعفین دانسته‌اند زیرا که این وعده خداست و در وعده خدا خلافتی نیست:

«وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ.»

«وما چنین اراده کردیم که برناتوان شدگان زمین منت گذارده و آنان را پیشوا و وارثان آن قرار دهیم.»

بدون شک، طلایه‌دار این وعده الهی و انقلاب جهانی و رهبر رهایی بخش آن که در گذشته بشریت تحقق

نیافت و تاکنون جامعه عمل نپوشیده است؛ در آینده — هر چند آینده ای دور — بایستی تحقق یابد دست با قدرت و پربرکت مردی را سزا است که تأیید الهی و فیوضات ربّانی در همه حال شامل احوالش گردد و قرعه خدائی بنام او زده شود.

آری همانا او آخرین جانشین پیامبر معظم اسلام (ص)، حجت خدا بر مردم، چشم بینا و گوش شنوا و دست توانای حق و یادگار خدا در زمین است که این بشارت الهی به دست با کفایت او عملی خواهد شد.

بلی او، فرزند پیامبر خداست؛

او، پور علی مرتضی است؛

او، پسر فاطمه زهراست؛

.....

.....

اوحجّة بن الحسن العسکری،

یگانه ولی زمان ماست.

شیعه، این گروه پیرو علی علیه السلام، در طول این دوازده قرن، با محرومیت از دیدار امامش، یک لحظه از پا ننشسته و گوشه عزلت نگزیده و نگذاشته است که شیطان صفتان روزگار، یاد محبوبش را از خاطرش برده و شراره امید به آینده ای روشن همراه با سعادت را در دلش خاموش نمایند.

شیعه، هر لحظه چشم براه فرا رسیدن آن آرمان بزرگ الهی و آن روز موعود است؛ روزی که بشریت در محیطی مملو از عدل و برابری، به رهبری حضرت مهدی (ع) حیاتی ایده آل را آغاز نماید. و در این مسیر هرگونه حيله و فتنه دشمنان را که جهت تحریف و متلاشی نمودن این باور اصیل اسلامی گسترده‌اند، پشت سر نهاده و از هرگونه فداکاری و ایثار دریغ ننموده است.

شیعه، از طرفی با عقیده براینکه امام و رهبرش به خاطر عدم شایستگی و نبود وحدت و یکپارچگی بین امت، از آنان رخ برتافته<sup>۱</sup>، خودسازی و تهذیب را پیشه خود ساخته و علیرغم همه کوبندگی حملات دشمن که خواستار برکندن

۱. کلام مولای مهربانان حکایتگر این واقعیت تلخ است که فرمود:  
 «وَلَوْ أَنَّ أَشْيَاعَنَا - وَقَقَهُمُ اللَّهُ لَطَاعَتِي - عَلَى اجْتِمَاعٍ مِنَ الْقُلُوبِ فِي الْوَفَاءِ بِالْعَهْدِ عَلَيْهِمْ لَمَا تَأَخَّرَ عَنْهُمْ الْيَمْنُ بِلِقَائِنَا وَلَتَعَجَّلَتْ لَهُمُ السَّعَادَةُ بِمُشَاهَدَتِنَا عَلَى حَقِّ التَّعْرِفَةِ وَصِدْقِهَا مِنْهُمْ بِنَا. فَمَا يَخْبِسُنَا عَنْهُمْ إِلَّا مَا يَتَّصِلُ بِنَا مِمَّا كَرِهَهُ وَلَا نُؤْتِرُهُ مِنْهُمْ.»

«همانا اگر شیعیان ما - که خدا آنان را بر طاعت خود توفیق دهد - در راه وفا به پیمانی که بر آنهاست همدل بودند برکت ملاقات ما از ایشان تأخیر نمی افتاد و سعادت دیدار ما برای آنان - بخاطر معرفت راستینی که به ما دارند - زودتر دست می داد. پس ما را از آنان دور نمی دارد، مگر آنچه از ناخشنودیاها و ناپسندیده‌ها که از ایشان به ما می رسد.»

(بحار الانوار، جلد ۵۳)

ریشه او و تزلزل اعتقاد اوست؛ بدون هیچگونه اتلاف وقت، تلاش کرده و خود را آماده و پذیرای ظهور مهدی می نماید و راستی که در قاموس شیعه اولین قدم در مسیر انتظار حضرتش، جز تلاش و اقدام برای خودسازی و تربیت خویش نخواهد بود. اما قدم بعدی در این راه، دیگرسازی و بالنتیجه آماده سازی جامعه بوده و وظیفه هر انسان مؤمن پس از آنکه آتش انتظار، خرمن وجودش را فرا گرفت سرایت دادن این آتش بر دیگران و جامعه می باشد تا این رسالت عظیم به تدریج آیندگان را فرا گیرد و زمان ظهور فرارسد.

کتابی که هم اکنون پیش رو دارید نیز گویای تلاشی است که در این زمینه صورت گرفته و «الْإمام المَهْدی أَمَلُ الشُّعُوبِ» نام دارد که بوسیله مترجم کوشا آقای محمدعلی مجیدیان از عربی به فارسی ترجمه شده و از آثار پژوهشی است که پیرامون حضرت مهدی علیه السلام نوشته شده است.

کتاب، با سیری اجمالی در تاریخ بشریت و بررسی ظلمها و ستمهایی که در گذشته و حال بر آدمی رفته است آغاز می گردد که همه و همه بیانگر وضعیت انسان روزگار ماست که سرگشته و درمانده شده و ناکام و خسته از تمامی مصائب دنیا با یأس و نومیدی از آینده در حرکت است.

آنگاه آینده بشریت از دیدگاه اسلام مطرح شده و کالبد بی روح و سرد انسانی را حرارت می بخشد. سپس با

بخش‌هایی بعنوان آشنائی پیرامون میلاد و طول عمر حضرتش، شناخت بیشتری را در این زمینه میسر می‌سازد تا در انتها با طرح مسئله انتظار و وظیفه مؤمنان در زمان غیبت سخن خویش را به پایان می‌برد.

امید آنکه نشر این کتاب، در مسیر هرچه بیشتر معرفت منجی عالم بشریت، مقبول حضرتش قرار گیرد و شیعه را در مسئولیت سنگینی که بردوش دارد رهنما و یاور باشد.

وَالسَّلَامُ عَلٰى نَامُوسِ اللّٰهِ الْاَكْبَرِ وَالْاِمَامِ الثَّانِي  
عَشَرَ، اَبِي السَّوْقِيَّةِ وَمَوْلَى الزَّمَانِ الَّذِي هُوَ  
لِلْحَقِّ اَمِيْنٌ وَلِلْخَلْقِ اَمَانٌ مَوْلَانَا وَسَيِّدِنَا  
صَاحِبِ الزَّمَانِ اَرْوَاحِ الْعَالَمِيْنَ لَهٗ الْفِدَا وَ  
جَعَلْنَا مِنْ شَيْعَتِهِ وَاَنْصَارِهِ وَاَعْوَانِهِ.

ناشر

فروردین ماه سال یکهزار و سیصد و شصت و دو

تهران

بخش اول :  
امید ملتها



پروردگارا...

این آدمی چه‌ها که از جنگها و ناملايمات و ستمها و سختیهای دوران نکشیده است؟! همین آدمی که خدا آفریدش تا خلیفه او در زمین باشد:

«وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً قَالُوا أَتَجْعَلُ فِيهَا مَنْ يُفْسِدُ فِيهَا وَيَسْفِكُ الدِّمَاءَ وَنَحْنُ نُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ وَنُقَدِّسُ لَكَ قَالَ إِنِّي أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ»<sup>۱</sup>

«بیاد آر آنگاه که پروردگار فرشتگان را فرمود من در زمین خلیفه خواهم گماشت. گفتند: پروردگارا آیا کسانی خواهی گماشت که در زمین فساد کنند و خونها ریزند و حال آنکه ما خود ترا تسبیح و تقدیس می کنیم. خداوند

فرمود: من چیزی از اسرار خلقت بشر می دانم که شما نمی دانید.»

انسانی که خداوند او را توان فرمانروائی بر این عالم هستی داده و تمامی آفرینش و موجودات را بخاطر مصلحت و خوشبختی اش در اختیار او قرار داده است:

«اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَأَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجَ بِهِ مِنَ الثَّمَرَاتِ رِزْقًا لَكُمْ وَ سَخَّرَ لَكُمْ الْفُلْكَ لِتَجْرِيَ فِي الْبَحْرِ بِأَمْرِهِ وَ سَخَّرَ لَكُمْ الْأَنْهَارَ، وَ سَخَّرَ لَكُمْ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ دَائِبَيْنِ وَ سَخَّرَ لَكُمْ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ، وَ أَنَا كُمْ مِنْ كُلِّ مَا سَأَلْتُمُوهُ وَإِنْ تَعُدُّوا نِعْمَتَ اللَّهِ لَا تَحْصُوهَا...»<sup>۱</sup>

«خداست آنکه آسمانها و زمین را آفرید و باران را از آسمان فروبارید تا انواع ثمرات و حبوبات را برای روزی شما برآورد و کشتیها را به امر خود به روی دریا و نهرها را به روی زمین به اختیار شما جاری گردانید، و خورشید و ماه و شب و روز را برای شما مسخر کرد، و از انواع نعمتهائیکه از او درخواست کردید به شما عطا فرمود که اگر نعمتهای بی انتهای خدا را بخواهید بشماره آورید هرگز حساب آن نتوانید کرد....»

۱. قرآن کریم، سوره ابراهیم آیه ۳۴-۳۲.

همان آدمی که پروردگار او را به والاترین جاه و مقام رسانیده است:

«وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَا هُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الظُّلُمَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلاً»<sup>۱</sup>

«و ما فرزندان آدم را بسیار گرامی داشتیم و آنها را به مرکب بر و بحر سوار کردیم (جهان جسم و جان را مسخر انسان ساختیم) و از هر غذای لذیذ و پاکیزه آنها را روزی دادیم و بر بسیاری از مخلوقات خود برتری و فضیلت بزرگ بخشیدیم».

چه بسا این انسان عزیز خدا، رنجها و دردها در طول تاریخ خود متحمل شده است؟ وجهها از بردگی و استثمار و تفرقه و نژادپرستی و تعصبهای دینی و جنگهای قومی و ستم و طغیان، کشیده است!!

و چنانچه صفحات تاریخ این آدمی را از همان زمانیکه پا به عرصه زمین گذارده ورق زنیم، حتی یک صفحه را در آن تاریخ طولانی و ممتد نخواهیم یافت که ما را مطمئن سازد که این آدمی یک روز را هم به خوشی و شادکامی سپری کرده باشد!! چه، صفحات تاریخ بشریت سرتاسر با رنج و درد رنگ آمیزی شده و با حروفی از بدبختی و مشقت که بوسیله ستم و ستمگری و انحراف دیکته شده برشته تحریر

درآمده است و تنها سطوری کوتاه و محدود از این صفحات که تقریباً جایی را در تاریخ دردآلود بشری نیز پُر نمی کند با کلماتی از آسایش و خوشبختی که ادیان الهی و پیامهای آسمانی در فواصل زمانی کوتاه و دورازهم آنرا فراهم آورده اند متمایز است.

### اوراق تاریخ کهن

هنگامیکه تاریخ کهن را ورق می زنیم به صحنه هائی از درد ورنج و بدبختی برمی خوریم.... و در یکی از این صفحات، صحنه های زیر را مشاهده می کنیم:

گروه کثیری از مردم را که از زندگی برده وار و استثمارزده بستوه آمده اند مشاهده می کنیم که در باره باورها و عقاید خود نسبت به هستی و حیات تجدیدنظر می کنند تا مآلاً به یک باور درست و سالم دست بیابند و آن همان ایمان به وجود خداوند تعالی و نفی زمامداری است که خود را بعنوان معبودی حاکم و فاعلی قادر به برده نمودن مردم تحمیل می کنند... پس دیدید که سرنوشت این گروه از مردم چه شد؟!

زمامداران یاد شده برای این گروه یک خندق بزرگ حفر نمودند و آنرا پُر از هیزم کرده و شعله ور ساختند و افراد آن

گروه با ایمان را روانه آن خندق فروزان کردند تا بدنهایشان خاکستر آن آتش گردد!! و این عمل دلیلی ندارد مگر اینکه این گروه از یک عقیده معینی پیروی می کنند و آن ایمان به خدا است!!

منظره بسیار دردناکی است چه بسا مردم خوب و بی گناهی در شعله های آتش می سوزند، درحالی که جنایتکاران لبخندزنان و با خیال آسوده نظاره گر آنانند!!  
پروردگار نیز از این جنایت بزرگ به خشم آمد و آنرا در قرآن حکیم و با شیوهی بس هولناک و شگفت، جاودانه کرد.

حق تعالی می فرماید:

«وَالسَّمَاءِ ذَاتِ الْبُرُوجِ، وَالْيَوْمِ الْمَوْعُودِ، وَشَاهِدٍ وَ  
مَشْهُودٍ، قَتِيلَ أَصْحَابِ الْأُخْدُودِ، النَّارِ ذَاتِ الْوَقُودِ،  
إِذْ هُمْ عَلَيْهَا قُعُودٌ، وَهُمْ عَلَىٰ مَا يَفْعَلُونَ بِالْمُؤْمِنِينَ  
شُهُودٌ، وَمَا نَقَمُوا مِنْهُمْ إِلَّا أَنْ يُؤْمِنُوا بِاللَّهِ الْعَزِيزِ  
الْحَمِيدِ»<sup>۱</sup>

«قسم به آسمان بلند که دارای کاخهای با عظمت است،  
و قسم به روز موعود (قیامت که وعده گاه خلایق است)، و  
قسم به شاهد عالم (پیغمبر خاتم صلی الله علیه وآله) و به  
مشهود او قیامت (واقمت)، قسم به اینان که اصحاب  
اُخدود (یعنی آن قوم کافری که بر مؤمنان به مکر مسلط

۱. قرآن کریم، سوره البروج آیات ۸-۱.

شدند و آنها را به خندق‌های آتش درافکندند) همه کشته و نابود شدند، همان مردم ظالمیکه آتش سختی به جان خلق برافروختند، که (بیرحمانه) برکنار آن خندقهای آتش بنشستند و سوختن مؤمنانی که به آتش افکندند مشاهده می‌کردند، و با آن مؤمنان که بسوختند هیچ عداوتی نداشتند جز آن که آنان به خدای مقتدر ستوده صفات ایمان آورده بودند.»

و در صفحه دیگر تاریخ باستان می‌خوانیم که: پادشاهی جبار و ستمگر بنام فرعون شبی در خواب، رؤیائی را دید که او را برآشفته، از کاهنان و ساحران تعبیر آن رؤیای ناراحت‌کننده را که خواب و استراحت لذت بخشش را از او سلب نموده و موجب ناراحتی او شده است جویا شد....  
 آنان خوابش را چنین تعبیر کردند: که جوانی از گروه مستضعف مردم (از قوم بنی اسرائیل) خواهد آمد تا به حکومت فرعون و سرکشی او پایان دهد.  
 آیا می‌دانید که فرعون جبار و ستمگر با آن طبقه ضعیف و به زنجیر کشیده به خاطر حفظ و بقاء جاه و مقام و حکومتش چه کرد؟

او همه فرزندان ذکور بنی اسرائیل را کشت، و آنگاه زنان باردار را در یک جا گرد آورد و آنانرا تحت مراقبت و زیر نظر داشت، و دستورهای ملوکانه صادر کرد مبنی بر اینکه به هیچ نوزاد پسری بیش از چند لحظه که کشتن او وقت می‌گیرد جایز نیست حق حیات داده شود! و در اجرای این اوامر و

دستورات ملوکانه و جابرانه، صدها کودک بی گناه را بخاطر حفظ تخت و تاج فرعون بقتل رساندند!!  
 و بدین سان منظره‌های ظلم و درد و عذاب، که انسان در ژرفای تاریخ با آن زیست، بهنگام جستجوی صفحات و اوراق تاریخ به پیشوا ما خواهند آمد...

و باز در برگی دیگر این تراژدی دردناک را می‌خوانیم:

مقامات بنی امیه حجاج بن یوسف ثقفی را به مدت بیست سال بعنوان والی بر عراق تحمیل کردند، و در پی مرگ حجاج سال ۹۵ هـ. ق، مسعودی مورخ مشهور در کتاب مروج الذهب می‌نویسد:

«شمارش کشتگان حجاج به غیر از سپاهیان و کشته شدگان جنگها بالغ بر یکصد و بیست هزار نفر و در زندان پنجاه هزار مرد و سی هزار زن بودند (شانزده هزار زن از این عده عاری از پوشش و لباس بودند) وی زنان و مردان را در یک محل و بطور مختلط بازداشت و زندانی می‌کرد! بازداشتگاه هیچ گونه پوشش و حفاظی که زندانیان را تابستانها از آفتاب و زمستانها از باران و سرما مصون و محفوظ دارد نداشت!!»

در یکی از روزها هنگامیکه حجاج سواره روانه محل اقامه نماز جمعه بود هیاهویی را شنید پرسید: این چه صدائی است؟ گفتند: زندانیان شیون می‌کنند و از گرفتاری خود

شکوه و شکایت می کنند. پس روی به آنان کرد و گفت:  
خفه شوید... حرف نزنید!!<sup>۱</sup>

### پرونده‌های تاریخ جدید

آنچه گذشت راجع به تاریخ کهن بود؛ اما راجع به  
پرونده‌های تاریخ نو... آیا این پرونده‌ها و مدارک پیام آور  
شادی و خوشبختی است و ما را از اینکه انسان دوران بدبختی  
و رنج را پشت سر گذارده است خوشحال می کند؟ و آیا دست  
کم بما مژده کاهش درجه عذاب و درد و بدبختی را می دهد؟  
و یا...؟

تاریخ با ناراحتی عمیق با ما درباره گرفتاری‌های  
انسان در آغاز تاریخ نو حرف می زند!! در آن هنگام که  
ابره‌های بدبختی و آلام سخت او را در بر می گرفت و پیوسته  
خنجرهای شکنجه بر سرش فرود می آمد؛ تاریخ شاهد یک  
پیشرفت شگرف و دگرگونی قابل توجهی در زمینه تولید آلات و  
دست ابزارهای شکنجه و بنیان برانداز و دیگر سلاح‌های  
فلاکت بار بود، و نخستین قربانی آن پیشرفت، نیز همان انسان  
مورد آزمایش بود.



واکنون برای شما چند سطری از تار یخچه نگون بختی تازه بشریت معذب را بازگومی کنیم:

کشتار فجیع جنگ اول جهانی با بجای گذاردن بیست و دو میلیون کشته و زخمی های بی شمار هنوز پایان نرسیده بود که چند سالی بعد آتش جنگ دوم جهانی که بیش از هفتاد میلیون انسان را در کام خود فرو برد زبانه کشید!

از آن گذشته بشر همچنان از آثار این جنگ رنج می برد بطوریکه پس از گذشت بیش از سی سال از این جنگ، مقامات و ویژه شهر هیروشیما با انتشار آماری اعلام کردند که نام نوزده هزارتن، جزو آسیب دیدگان بمبی که بسال ۱۹۴۵ روی این شهر پرتاب شد همچنان دیده می شود! و علت آن باران سیاهی است که چهل و پنج دقیقه فقط پس از این انفجار روی شهر هیروشیما شروع به باریدن نمود. باران یاد شده با اشعه اتمی شارژ شده بود!

اما این افراد رسماً نیز جزو آسیب دیدگان به حساب نیامده اند زیرا به هنگام پرتاب بمب در حومه هیروشیما بر می بردند. بیماریهای این افراد که از بیست و نه سال پیش تابحال از آن می نالند عبارتند از: ضعف کلی، سرگیجه و استفراغ!

بریتانیای کبیر نیز بیش از بیست میلیون انسان را بخاطر اشغال چین نابود کرد و علیرغم اراده ملت الجزائر که

سخت جلوی استعمار ایستادگی می نمود فرانسه این کشور را به تصرف خود درآورد و به ندای آزادی که ملت الجزائر سر میدادند کوچکترین توجهی نمی کرد تا اینکه نزدیک به دو میلیون تن از این ملت ستمدیده را بیرحمانه کشت!

همزمان با جنگ الجزائر، زمامداران فرانسه از فرمانده کل ارتش خواستند تا زیباترین مسجد الجزائر را به کلیسا تبدیل کند. او مسجد قشاره در محله اورلی را انتخاب نموده و یک گروه مهندسی ارتش فرانسه را هنگام نماز مغرب روانه مسجد نمود. در این هنگام مسجد مملو از نمازگزارانی بود که عدد آنان حدود ۱۴۰۰ تن برآورد میشد. گروه یاد شده وارد مسجد شدند و تا نیمه شب به کشتار نمازگزاران پرداختند تا آنکه تمامی آنان را از میان بردند!!

در هندوچین جنگ سختی بین ویتنام شمالی و ویتنام جنوبی روی داد و سی سال تمام ادامه یافت. و نتایج دردناک این جنگ استعماری که انسان متحمل آن شد از این قرار است:

بیش از سه میلیون و دو یست هزار (۳,۲۰۰,۰۰۰) کشته نظامی و غیرنظامی، هفت میلیون و چهارصد و پنجاه و سه هزار (۷,۴۵۳,۰۰۰) زخمی نظامی و غیرنظامی، و چهارصد هزار (۴۰۰,۰۰۰) معلول و ناتوان!!

ضمناً در فاصله سالهای ۱۹۶۱ و ۱۹۷۲ میلادی

نیروی هوایی آمریکا، نزدیک به شش میلیون و هفتصد و بیست و هفت هزار (۶,۷۲۷,۰۰۰) تن بمب بر منطقه هندوچین پرتاب کرد! و هواپیماهای آمریکائی هفتاد و یک میلیون (۷۱,۰۰۰,۰۰۰) لیترا از مواد سمی شیمیائی را روی منطقه در جنوب ویتنام و برابر با مساحت ایرلند شمالی فرو ریختند!!!

## واقعیت در عصر حاضر

واقعا در باره وضعیت انسان معاصر؟

که عبارتست از بدبختی و ویرانی و هلاکت؛ چه بسیارند ملت‌هائی که در مقابل چشم و گوش جهانیان دست بگریبان استعمار و آوارگی و ناکامی می‌باشند؟

همین ملت فلسطین را می‌بینیم که ابر قدرتها با توطئه‌های خود، وطن و سرزمینشان را غصب کرده و آواره‌شان نمودند با چند صهیونیست فراری و سرگردان را به منظور ایجاد کشور رؤیائی و تحقق بخشیدن به آرزوی دیرینه خود در فلسطین مقدس جایگزین آن کنند!

بدینسان، یهودیان سرگردان، فلسطین را اشغال و آن را بصورت یک انبار اسلحه درمی آورند و این در حالی است که ملت فلسطین علی‌رغم اصرار و مبارزاتی که برای بازپس گرفتن سرزمین غصب شده‌اش بکار می برد؛ آواره و سرگردان و دور از سرزمین و میهن خود بسر می برد.

این ملت از سال ۱۹۴۸ میلادی تا بحال بطور مداوم در داخل فلسطین کشته و شهید و قربانی می‌دهد؛ لیکن، استعمار اراده کرده است تا این ملت همچنان در آوارگی و ستم بسر برد! واقعاً که این جنایت نابخشودنی عصر ماست.

اما مسأله فلسطین تنها جنایتی نیست که گواه بدبختی و سختی های انسان معاصر باشد فجایع دیگری هستند که دست کمی از آن ندارند... ملت اریتره را مشاهده می کنیم که همچنان از استعمار و سلطه اتیوپی ستمگر که فن کشتار دسته جمعی مردم بیگناه را بخوبی بکار می برد رنج می کشد.

شهر حرقیو در دوازده کیلومتری جنوب بندر مصوع در دهم آوریل ۱۹۷۵ میلادی شاهد کشتار فجیعی بود که منجر به قربانی شدن بیش از پانصد تن گردید که بیشتر آنان افراد ناتوان و پیرزن و کودک بودند. در این کشتار، نیروهای اتیوپی سحرگاه باشیخون به شهر، دست به یک کشتار دسته جمعی زدند. سپس اجساد را یک هفته تمام روی زمین رها کرده و خود در آنجا مستقر شدند!

رژیمهای نژادپرست حاکم در رودزیا و آفریقای جنوبی همچنان مشغول تجاوز به حقوق و حیثیت مردم اند. خدا میداند تعداد زندانیان و اسرای این عالم را؟! بنا بگفته مطبوعات ایالات متحده امریکا: زندانهای این کشور مملو از زندانیان است که شمارش آنان در حدود سی و پنج هزار می رسد.<sup>۱</sup>

چندی پیش یکی از کشورها که سکنه آن از هفت میلیون تجاوز نمی کند، بمناسبت یکی از جشنهایی که برپا کرده بود هفت هزار زندانی را آزاد کرد. مگر این کشور کوچک چقدر زندانی دارد؟

از آن گذشته آیا میدانید زندانیان چه حال و اوضاعی دارند؟ حال و اوضاع آنها در بسیاری از کشورهای جهان بی نهایت بد و دردناک است.

همگام با پیشرفت دانش و صنعت، یک پیشرفت و دگرگونی بزرگی نیز در زمینه شیوه های شکنجه آدمی و پایمال نمودن حیثیت و خرد کردن اعصاب او به وجود آمده است که عبارتند از:

شلاق زدن و خونین و بیهوش کردن زندانی، آویزان کردن وی چون گوسفند از دست و پا و سپس کتک زدن وی بوسیله شلاق و تسمه و جاری شدن خون از تمام بدن وی، وادار کردن زندانی به نوشیدن آبهای بسیار شور و کثیف و آلوده

۱. روزنامه کویتی القبس شماره مورخه ۱۹۷۵/۸/۲۴ میلادی.

چاهها و فاضلابها، استعمال شیشه‌های نوشابه، اتصال جریان برق به مناطق حسّاس بدن رنجور زندانی، به بند کشیدن دستگاه تناسلی او و زخمی کردن آن!!<sup>۱</sup> و دیگر دستگاهها و شیوه‌های بسیار بد و دوزخی که بشر معاصر در بازداشتگاه‌ها و زندان‌های دنیا از آن رنج می‌برد.

### اما درباره آینده بشریت؟

بسی جالب و خوشایند است که نسبت به آینده بشریت خوشبین و به فردائی روشن که پرتو امنیت و آسایش و صلح، انسان را فراگیرد، امیدوار باشیم.

لیکن خبرهای مربوط به رقابت شدید در زمینه تولید اسلحه‌های گشوده و ویرانگر و خبرهای راجع به آزمایشات سهمگین اتمی و مدل‌های بمب‌های نوین اتمی و نیدروژنی و نیتروژنی هرگونه نورامیدی که آدمی در راه آینده خوش و سعادت‌مند خود می‌پروراند از میان می‌برند و تک‌تک ذرات اطمینان حاصل در دورنمای دل‌رامتلاشی می‌سازند و هرگونه نسیم ملایمی که بر ساحل اندیشه و خیال می‌وزد از میان برمی‌دارد.

۱. کتاب «العقوبات فی الاسلام» علامه سید صادق شیرازی دام‌تأیید.

پس آن کدام فال نیک و دورنمائی است که مورد قبول نفس باشد و وجدان آدمی را با بودن خبرهای موحشی که پاره‌یی از آن را بازگو خواهیم کرد آسوده نگهدارد.

مقدار بمب اتمی و نیدروژنی که بشر امروز در دست دارد کافی است که تمامی زمین را دوازده و نیم بار ویران کند!<sup>۱</sup>

در سال ۱۹۷۴ میلادی شوروی ۱۵۲۰ موشک قاره‌پیما، ۲۷۰ موشک اتمی و ویژه زیر دریائی‌ها، ۷۰۰ موشک با برد متوسط و ۲۰۰ موشک با برد کوتاه داشت!!  
اما آمریکا ۱۰۵۴ موشک قاره‌پیما و ۵۴۴ موشک ویژه زیر دریائی‌ها و ۱۰۰۰ موشک با برد متوسط و ۱۰۰۰ موشک با برد کوتاه در اختیار داشت!!<sup>۲</sup>

نمی‌دانم این موشکهای مهلک برای که و علیه که بکار گرفته خواهد شد؟ آیا به منظور زیر و رو کردن زندگی این انسان رنج‌دیده و علیه خوشبختی و هستی او بکار می‌روند؟؟

انجمن مطالعات استراتژیکی لندن در گزارش سال ۱۹۷۲ میلادی خود می‌گوید:

۱. رسالت انبیاء در عصر فضا، سیدهادی مدرسی، صفحه ۸.

۲. الروس قادمون، صفحه ۲۷۳.

توجه به این نکته لازم است که آمار ارائه شده مربوط به سال ۱۹۷۴ می‌باشد که تابحال یقیناً این کشورهای بزرگ در زمینه تسلیحاتی پیشرفتهای روزافزونی داشته‌اند. (مترجم)

مقدار ذخیره هر انسان خاکی بالغ بر ۱۵ تن از مواد اتمی (تی-ان-تی) می باشد و این درحالیست که میزان مواد غذایی ذخیره برای هر شخص از نیم تن تجاوز نمی کند!!  
 در این گزارش همچنین آمده است: که حجم هزینه های نظامی جهان با درآمد ملی کشورهای جهان سوم برابر است؛ و کشورهای عقب مانده ۳۰ تا ۶۰ درصد بودجه خود را به امر تسلیحات اختصاص می دهند.

بدتر و عجیب تر از همه، همین اختراع تازه یعنی بمب نوترونی است که به ساختمانها و کارخانه جات و آلات و ادوات هیچگونه گزند و آسیبی نمی رساند؛ اما انسان و سایر موجودات زنده را در اندک زمانی نابود می کند.

دیدید که انسان چقدر رنج و زجر می برد و چه ها که در این دنیا می کشد؟!!

صریحاً باید گفت که وجود او مهم نیست و ارزش ندارد و آنچه مهم است سلامتی ساختمانها و کارخانه ها میباشد!!

یک اسلحه شیمیائی و بیولوژیکی ستمی وحشتناکی هست که از یک باکتری بنام: (*Chlostridium Botulimus*) تهیه می شود که معمولاً سبب مسمومیت کشنده غذایی می شود. و حدود ۲۲۵ گرم (هشت اونس) آن کافی است تا تمام سکنه روی زمین را نابود



کند.<sup>۱</sup>

اما مادهٔ ال-اس-دی ( L.S.D ) که با داخل شدن یک کیلوگرم آن در مخزن آب یک شهر کافی است تا روی بدن و عقل تمامی سکنهٔ آن اثر بگذارد و همگی آنرا از کار بیندازد و بقول دکتر «جوردن تایلور» انگلیسی: ژنرالهای آمریکائی استفاده از مادهٔ ( L.S.D ) را در جنگ که روی تصمیم و ارادهٔ مقاوم دشمنان اثر سوء می گذارد توصیه کرده اند، بدین دلیل که این سلاح یاد شده، سلاحی است انسانی و سبب خونریزی نمی شود!!

بگفتهٔ برخی از منابع: مقدار گازهای عصبی کشندهٔ ذخیره شده در ایالات متحدهٔ امریکا نه تنها برای نابودی همهٔ مردم جهان کافی است بلکه اگر تعداد انسانها به سی برابر جمعیت فعلی بالغ شود این مقدار گاز برای نابودی آنها کفایت می کند. و میزان قدرت شوروی در زمینهٔ تسلیحات شیمیائی و میکروبی هفت الی هشت برابر قدرت مغرب زمین است.<sup>۲</sup>

شما را به خدا با بودن چنین اوضاع و گزارشهای دردناک چگونه می توان امیدوار و خوشبین و آرام بود؟

## چگونه می توان نجات یافت؟

با در نظر گرفتن این نکته مهم که امید امکان ندارد در خلأ تفکر و خیال و تفأل پدیدار شود؛ مگر اینکه پشتوانه آن انگیزه و احتمالاتی باشد که آنرا مسأله ای وارد و مورد قبول فکر آدمی گرداند.

آیا تصور تکامل یافته ای جهت تحقق آرمان های خوشبختی انسان در ساختن یک زندگی امن و آرام توأم با صلح یافت می شود؟

آیا یک اندیشه فراگیر وجود دارد که انسان با اعتقاد به آن و پیاده نمودنش این اطمینان قلبی را پیدا کند که خوشبختی و حیثیت و آسایشی را که طی سالها و اعصار تاریخ از آن محروم بوده میتواند بدست آورد؟

و به عبارت دیگر: آن نقشه احتمالی برای آینده انسان که بتوان بر مبنای آن به نجات و رهائی و رستگاری خود امیدوار بود کدام است؟

چندی پیش انظار مردم متوجه مؤسسات و سازمانهای بین المللی شده بود که دفاع از مسائل انسانی را بعهده گرفته و شعارهای حقوق بشر و امنیت و استقلال آدمی را سرداده بودند.

مانند: سازمان ملل متحد و شورای امنیت، جنبش عدم تعهد، سازمان عفو بین المللی و یا کنفرانس شمال و جنوب.... و نظائر آن از مؤسسات بین المللی که انظار مردم

ستمیدیده و رنج کشیده را برای مدتی دراز متوجه خود کرد....  
 اما آیا این مؤسسات توانستند درد و جنگ و استعمار و  
 مشکلات را از زندگی آدمی دور کنند؟ و آیا برای انسان  
 کمترین امیدی باقی مانده و یا اینکه در بن بست از نومیدی  
 قرار گرفته است؟

همین کافی است که بگوئیم برای انسان ثابت شده  
 است که این مؤسسات موفق به تأمین خوشبختی و امنیت و  
 آرامش ملل جهان نشده و بدین دلیل از آنها نومید شده است.  
 پس نقشه احتمالی اصلاح جهان و نجات بشریت  
 کدام است؟ و آیا برای انسان مقدر شده است که از همان  
 روزی که پا بعرصه وجود نهاده تا زمانیکه روز رستاخیز فرا رسد  
 یک زندگانی محکوم به نابودی و همراه با درد داشته باشد؟  
 آیا در آینده، بشر از لحظات خوشبختی و شادگامی خود  
 بر روی کره زمین احساس رضایت و سعادت خواهد نمود؟

### اسلام مکتب امید بخش

باور نداریم هر شخصی که به آینده بشریت خوشبین  
 و امیدوار است بتواند ما را نسبت به نقشه‌یی قابل اجرا و  
 اندیشه‌یی که احتمالاً یک اصلاح و دگرگونی همه جانبه در  
 سطح جهانی به وجود آورد متقاعد کند.

یگانه سرچشمه امید و خوشبینی که اصول و احکام آن به وفور، لزوم برآمدن سپیده دم خوشبختی در تاریخ بشریت را تأکید و برپیروزی حتمی عدالت و امنیت و آرامش حقیقی علیه سردمداران ستم و بدبختی و درد که زندگی انسان را در طول تاریخ فرا گرفته نوید می دهد همانا اسلام است.

اسلام، اسلام به تنهایی پیام آور امید و خوشبختی برای بشر است تا او را به کمک یک طرح اصلاحی و همه جانبه و تکامل یافته از پریشانی حاصل از نومیدی کشنده رهائی بخشد.

### آینده بشریت از دید گاه قرآن

بسیاری از آیات قرآن مجید مؤید این حقیقت است و دوران خوشی و امنیت را نوید می دهد که یقیناً همه جهان را فرا خواهد گرفت و بشریت از رفاه و عدالت و آزادی و از تمام مایحتاج یک زندگی آبرومندانه برخوردار خواهد شد.

قرآن مجید میفرماید:

«وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزُّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ  
يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ»<sup>۱</sup>

۱. قرآن کریم، سوره انبیاء آیه ۱۰۵.

«وما بعد از تورات در زبور داود نوشتیم و در کتب انبیاء  
سلف وعده دادیم که البته بندگان نیکوکار من ملک زمین  
را وارث و متصرف خواهند شد.»

پس اسلام ادامه ادیان پیشین آسمانی است که  
جملگی به بشریت، آینده سعادت باری را نوید میدهند تا  
فرمانروائی زمین و جهان از آن طلایه داران با ایمان و نیکوکار  
گردد و زمانی که این فرمانروائی بدست طلایه داران با ایمان و  
نیکوکار بیفتد فرصتی برای سعادت و یک دوره رفاه، دست  
خواهد داد.

خداوند بزرگ میفرماید:

«إِنَّا لَنَنْصُرُ رُسُلَنَا وَالَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا  
وَيَوْمَ يَقُومُ الْأَشْهَادُ»<sup>۱</sup>

«ما ( که خدای توانائیم) البته رسولان خود و اهل ایمان را  
هم در دنیا (بر دشمنانشان) ظفر و نصرت می دهیم و هم  
روز قیامت که گواهان (اعمال نیک و بد) به شهادت  
برخیزند.»

بدیهی است پیامبران که خود، خواهان خوشبختی و  
عدالت و آزادی اند و پیروانشان که خویشان را وقف خدمت  
آرمان های مقدس یاد شده کرده اند از گزند و آسیب در امان  
نبوده اند. آنچه پیامبران و پیروانشان متحمل شدند به مراتب

سخت‌تر از رنج‌هایی است که سایر مردم کشیدند؛ زیرا آنان جبهه مبارزه و جهاد را بخاطر خوشبختی بشریت و حیثیت او رهبری می‌کردند، لذا سرنیزه‌های ستم و طغیان بسوی سینه‌های آنان روانه گشت و زندگی دنیائی آنان مبدل به یکپارچه درد و رنج و تعب در راه خدا شده بود. ولکن خداوند تبارک و تعالی به پیامبران و اهل ایمان وعده برآورده شدن آرمانهای والایشان و چشیدن طعم شیرین پیروزی سریع در دنیا و لذت اجر و ثوابش در آخرت را داده است.

بفرموده خدایتعالی:

«هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ  
لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَنُكَفِّرَنَّ الْمُشْرِكِينَ»<sup>۱</sup>

«اوست خدائی که رسول خود (محمد مصطفی صلی الله علیه وآله) را با دین حق بهدایت خلق فرستاد تا بر همه ادیان عالم تسلط و برتری دهد هر چند مشرکان و کافران ناراضی و مخالف باشند».

این آیه سه بار در قرآن کریم تکرار شده است تا وعده پروردگار را در مورد گسترش دین اسلام در پهنه گیتی و پیدایش حقیقی و بکار بردن آنرا در پی ناکامی همه مکاتب و ادیان دیگر به ثبوت برساند.

۱. قرآن کریم، سوره توبه آیه ۳۳.

بفرموده خدای تبارک و تعالی:

«وَأُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَ  
نَجْعَلَهُمْ آيَةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ»<sup>۱</sup>

«ما اراده کردیم که بر ناتوان شدگان زمین ممت گذارده و  
آنها را پیشوایان خلق قرار دهیم و وارث ملک و جاه  
فرعونیان گردانیم.»

پروردگار، گروه‌های ستم‌دیده و مستضعف و رنج‌دیده  
زمین که بهترین نمونه‌های آنان ائمه برحق و اهل بیت محمد  
صلوات الله عليهم اجمعین هستند ممت خواهد گذارد تا عملاً  
رهبری جهان را بعهده گیرند و در پناه حکومت عدل و ایمان  
وارثان ثروت‌هایی شوند.

اینها همه به راستی نشانه‌های روشنی است که تأکید  
بر این دارند که حق سرانجام پیروز شده و پیروان حق زمام  
جهان را بدست گرفته و آن را بساحل امن و امان رهنمون  
خواهند شد.

بی شک این وعده‌ها در تاریخ گذشته انسان تحقق  
نیافت و تا به امروز نیز جامه عمل نپوشیده است و جز دوراه  
چاره‌ای نیست: یا اینکه بدرستی این وعده مشکوک باشیم که  
باید از این تفکر پناه برد یا اینکه بر این عقیده باشیم که  
این وعده‌ها در آینده تحقق خواهند یافت و یقیناً نمی‌توان در

صحت و درستی این وعده‌ها تشکیک نمود زیرا که:

«وَعَدَ اللَّهُ لَا يُخْلِفُ اللَّهُ وَعْدَهُ»<sup>۱</sup>

این وعده الهی است و خدا هرگز خلاف وعده نمی‌کند.

و نیز بر مبنای آیه شریفه قرآن که میفرماید:

«إِنَّ اللَّهَ لَا يُخْلِفُ الْمِعَادَ»<sup>۲</sup>

بدرستی که خداوند خلاف وعده نخواهد کرد.

ناگزیریم که مطمئن باشیم که این وعده‌ها در آینده بصورت یک حقیقت واقعی درآیند هرچند که این آینده دور باشد.

### چگونه این آرزو بوقوع می‌پیوندد

و اما آن آرزوی بزرگی که بشریت بدان چشم دوخته است بویژه در مواقعی که مورد ظلم و ستم و طغیان قرار می‌گیرد چگونه تحقق خواهد یافت؟ کئی وجه زمانی عملی

۱. قرآن کریم، سوره روم، آیه ۶.

۲. قرآن کریم، سوره آل عمران، آیه ۹.



خواهد شد؟ و آن برنامه اصلاحی و دگرگونی مورد نظر کدام است؟ و بوسیله چه کسی صورت خواهد گرفت؟

این ها پرسش هایی است که همچنان از دیرباز و از قرون و اعصار پیش فکر آدمی را به خود مشغول نموده اند. و لذا بخاطر اهمیت و حساسیتی که این سئوالات در زندگی انسان و سرنوشت بشریت دارد سنت (که احادیث پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و روایات پیشوایان معصوم اهل بیتش گویای آن هستند) پاسخ مفصل و کامل تمام این سئوالهای خطیر را به عهده گرفته است و تا بجائی پیش میرود که تعداد احادیث روایت شده درباره همین مسئله از مرز شش هزار می گذرد و بندرت دیده می شود که درباره یک مسئله اسلامی این تعداد حدیث نقل شود.

### آن احادیث چه می گویند؟

روایات مصرانه مؤید آن وعده قرآن مقدس اند که ایجاد و تشکیل جامعه ای بدون ظلم و مملو از ایمان و نیز پیشرفت در این دنیا و برپائی حکومت جهانی حق بر روی کره زمین را نوید می دهد.

و آن برنامه اصلاحی و ایجاد دگرگونی همانا آئین گرانقدر اسلام است و پایان این برنامه همزمان با پایان دنیا و تا

آستانه روز قیامت است که آخرین گام زندگی آدمی در این دنیا خواهد بود.

طلایه دار این انقلاب جهانی و رهبر این عملیات رهایی بخش و دگرگونی همه جانبه، مردی است از خاندان پیامبر اسلام حضرت محمد بن عبدالله صلی الله علیه وآله که از پیامبر اکرم فقط ده پدر فاصله دارد.

آری همانا او حضرت محمد بن الحسن (المهدی) فرزند حسن بن علی (العسگری) فرزند علی بن محمد (الهادی) فرزند محمد بن علی (الجواد) فرزند علی بن موسی (الرضا) فرزند موسی بن جعفر (الکاظم) فرزند جعفر بن محمد (الصادق) فرزند محمد بن علی (الباقر) فرزند علی بن الحسین (السجاد) فرزند حسین بن علی (الشهید) فرزند علی بن ابیطالب (امیرالمؤمنین) که بهترین سلام و درود بر همگی آنها باد باشد.

## اهتمام امت

بخاطر اهمیت خطیر مسأله و نیز از زمانیکه رسول اکرم صلی الله علیه وآله آنرا در جامعه مطرح نمود همواره قیام مهدی مورد توجه نسلهای متعاقب امت مسلمان از روحانیون گرفته تا راویان حدیث بوده است.

دهها تن از صحابه و یاران پیامبر صلی الله علیه وآله آنچه درباره قیام امام مهدی (عج) و رهائی جهان بدست او را از حضرتش شنیده بودند نقل کرده اند و صدها تن از پیروانشان احادیث یاد شده را از آن صحابه برای اعقاب خود بازگو نموده اند و همه پیشوایان حدیث و علاقه مندان به حفظ سنت مقدس روایات نقل شده را در کتب خود ثبت و ضبط کرده اند.

گروه بسیاری از دانشمندان و علمای مسلمان درباره جزئیات و اثبات تحقق این وعده الهی بررسی های ویژه ای کرده و کتب ارزنده ای نوشته اند که همه این تلاشها نشانگر اهمیت خطیر مسأله بوده و نیز راه را بروی هر اقدامی که بخواهد بمنظور سلب آرزوی بزرگ بشریت و ملتس نمودن آن به جامه سیاه و کشنده یأس و ناامیدی باعث انکار این عقیده اسلامی می شود، می بندد. تا جائیکه شیخ ابوالاعلی المودودی در کتاب «البیانات» خود می نویسد:

«أَنَّهَا - رَوَايَاتُ خُرُوجِ الْمَهْدِيِّ - تَحْمِيلُ حَقِيقَةِ  
 أَسَاسِيَّةٍ هِيَ الْقَدْرُ الْمُشْتَرَكُ فِيهَا، وَهِيَ أَنَّ  
 النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَخْبَرَانَهُ سَيَظْهَرُ فِي  
 آخِرِ الزَّمَانِ زَعِيمٌ عَامِلٌ بِالسُّنَّةِ يَمَلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا، وَ  
 يَمْخُوعُنَّ وَجْهَهَا أَشْبَابَ الْفُلْجِ وَالْعُدْوَانِ، وَتُعَلِّقُ  
 فِيهَا كَلِمَةَ الْإِسْلَامِ، وَيَعْمُرُ الرَّفَاةَ فِي خَلْقِ اللَّهِ.»<sup>۱</sup>

«روایات نوید دهنده خروج و قیام مهدی، نشاندهنده و گویای واقعیتی اساسی و وجه مشترکی است که پیامبر(ص) با جملات زیر آنرا بیان نموده است که: در آخر الزمان، رهبری پای بند و عامل به سنت ظاهر خواهد شد که زمین را پر از عدل و داد می کند و همه مستبین ستم و تجاوز را در پهنه گیتی از بین می برد و اسلام را در آن اجرا و پیاده می کند، و بندگان خدا از رفاه و آسایش برخوردار می شوند.

در این زمینه دو نوع حدیث نقل شده است:

یکی احادیثی که در آنها از نام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه به وضوح و صراحت یاد شده است و دیگری احادیثی که از ظهور خلیفه ای دادگر بدون اینکه نامی از مهدی (عج) برده باشند. و از آنجائیکه موضوع احادیث دسته دوم مشابه با گروه اول می باشد از اینرو به عقیده محدثان، خلیفه دادگر همان محمد بن الحسن العسکری (مهدی) می باشد.

شیخ عبدالعزیز بن باز دانشمند نامی عربستان سعودی در قطعیت این مسئله میگوید:

«إِنَّ أَمْرَ الْمَهْدِيِّ أَمْرٌ مَعْلُومٌ وَالْأَحَادِيثُ فِيهِ مُتَّفِقَةٌ بَلْ مُتَوَاتِرَةٌ مُتَعَاظِدَةٌ... فَهِيَ بِحَقِّ تَدْلُّ عَلَى أَنَّ هَذَا الشَّخْصَ الْمَوْعُودَ بِهِ، أَمْرُهُ

ثَابِتٌ وَخُرُوجُهُ حَقٌّ»<sup>۱</sup>

«مسأله مهدی روشن است و احادیث در این باره فراوان و در حد استفاضه بلکه تواتر متعاضده است... و آن حقیقتاً دلالت می کند که آن شخص موعود، امرش بحق است و خروجش حقیقت دارد.»

و از آخرین بحثهای جدی که در اثبات این مسأله مطرح شده است بحثی است جالب از دانشمند معاصر و استاد دانشگاه اسلامی مدینه منوره، شیخ عبدالحسین العباد که مطالب خود را در این دانشگاه در یک سخنرانی تحت عنوان «عقیده اهل سنت و اثر آن در مهدی منتظر» ایراد کرده است و در سال ۱۳۸۹ هـ در سومین شماره مجله «جامعه الاسلامیه» در صفحات ۱۲۶ تا ۱۶۴ منتشر شد. او در این بحث خود، آمار و حقایق زیر را بیان داشت:

• از جمله کسانی که روایاتی از پیامبر خدا صلی الله علیه وآله درباره حضرت مهدی نقل کرده اند به نامهای زیر برخوردم که عبارتند از:

برخوردم که عبارتند از:

- |                      |                     |
|----------------------|---------------------|
| ۱- علی بن ایطالب (ع) | ۲- حسین بن علی (ع)  |
| ۳- عبدالله بن عباس   | ۴- عبدالله بن عمر   |
| ۵- عثمان بن عفان     | ۶- طلحة بن عبیدالله |
| ۷- عبدالرحمن بن عوف  | ۸- ام سلمة          |

- ۹- ام حبیبة  
 ۱۰- عبدالله بن مسعود  
 ۱۱- عبدالله بن عمرو  
 ۱۲- ابوسعید خدری  
 ۱۳- جابر بن عبدالله  
 ۱۴- ابوهریره  
 ۱۵- انس بن مالک  
 ۱۶- عمار بن یاسر  
 ۱۷- عوف بن مالک  
 ۱۸- قره بن ایاس  
 ۱۹- ثوبان مولى رسول الله  
 ۲۰- علی الهلالی  
 ۲۱- حذیفه بن الیمان  
 ۲۲- ابوالطفیل  
 ۲۳- عبدالله بن الحارث بن حمزه  
 ۲۴- جابر الصدفی  
 ۲۵- عمران بن حصین

• تعداد کسانی که احادیث و آثار راجع به مهدی را در کتابهایشان آورده اند:

بسیاری از جمع کنندگان حدیث، روایات راجع به حضرت مهدی را از کتابهای صحاح و سنن و معاجم و مسانید و غیره جمع آوری کرده اند که شخصاً به کتاب و یا نامهای آنها که به ۳۸ تن بالغ می شود برخورد نموده ام.

• کتابهایی که در مقام و منزلت مهدی (عج) نوشته اند: دانشمندان این امت بجهت آنکه احادیث راجع به مسأله مهدی (عج) از اهمیت ویژه ای برخوردار است به جمع آوری و تألیف و شرح روایات نقل شده از پیامبرشان صلی الله علیه وآله همت گماردند و باید گفت که برخی از این دانشمندان این احادیث را همانگونه که در سنن و مسانید و غیره آمده است در آثار کلی و عمومی خود نیز

وارد کرده‌اند و بعضی از آنان کتب و یژه‌ای درباره این احادیث نوشته‌اند که بخاطر پشتیبانی از دین خدا و هدایت و نصیحت مسلمانان رحمت و پاداشهای الهی بر آنها باد. در میان افرادی که کتب و یژه‌ای در این باره نوشتند و نیز در میان ده‌تن از دانشمندان بزرگی که در این باره همت گماردند؛ کسانی یافت می‌شوند که تواتر احادیث راجع به مهدی را نقل کرده‌اند؛ (آنگاه نام شش تن از دانشمندان و علماء بزرگ حدیث که تواتر احادیث پیامبر اسلام صلی الله علیه وآله راجع به مهدی (عج) را ثابت کرده‌اند برده شده است).

### نمونه‌هایی از این احادیث

از میان احادیث متواتره معروف، به این چند حدیث اشاره می‌کنیم:

۱- قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: «لَنْ تَنْقُضِيَ الْأَيَّامَ وَاللَّيَالِي حَتَّى يَبْعَثَ اللَّهُ رَجُلًا مِنْ أَهْلِ بَيْتِي يُوْاطِيءُ إِسْمُهُ إِسْمِي يَمْلُؤُهَا عَدْلًا وَقِسْطًا كَمَا مَلِئْتُهَا ظُلْمًا وَجَوْرًا»<sup>۱</sup>.

۱. امام مهدی، علی محمد علی دخیل.

«پیامبر(ص) فرمود: روزها و شبها سپری نمی شوند تا اینکه مردی را از خاندان من که همنام من است مبعوث خواهد کرد تا دنیا را پُر از عدل و داد کند بعد از اینکه پُر از ظلم و جور شده باشد.»

۲ - قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: «لَوْ لَمْ يَبْقَ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا يَوْمٌ لَبَعَثَ اللَّهُ فِيهِ رَجُلًا مِنْ أَهْلِ بَيْتِي يَمْلُؤُهَا عَدْلًا كَمَا قُلِيتُ جَوْرًا.»<sup>۱</sup>

«پیامبر(ص) فرمود: اگر از عمر دنیا فقط یک روز هم مانده باشد خداوند در آن روز مردی از خاندانم را مبعوث خواهد نمود تا زمین را از عدل و داد پُر کند همانگونه که از ستم پر شده باشد.»

۳ - قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: «أَبَشِّرْكُمْ بِالْمَهْدِيِّ يُبْعَثُ فِي أُمَّتِي عَلَيَّ اخْتِلَافٍ مِنَ النَّاسِ وَزَلْزَلٌ فَيَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا قُلِيتُ جَوْرًا وَظُلْمًا، يَرْضَى عَنْهُ سَاكِنُ السَّمَاءِ وَسَاكِنُ الْأَرْضِ.»<sup>۲</sup>

«پیامبر(ص) فرمود: شما را به ظهور مهدی در میان ائمتم باتمام اختلافاتی که دارند مژده می دهم تا زمین را پُر از عدل و داد کند همانگونه که پُر از ظلم و ستم شده باشد و ساکنان زمین و آسمان از او خوشنود خواهند بود.»



۴- قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: «يَخْرُجُ فِي آخِرِ الزَّمَانِ رَجُلٌ مِنْ وُلْدِي إِسْمُهُ كَاسِمِي وَكُنْيَتُهُ كَكُنْيَتِي يَمْلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا كَمَا مَلِئْتُ جَوْرًا، فَذَلِكَ هُوَ الْمَهْدِيُّ.»<sup>۱</sup>

«پیامبر(ص) فرمود: در آخر الزمان مردی از فرزندانم که همنام و هم کنیه منست ظاهر میشود و دنیا را پُر از عدل و داد خواهد کرد همانگونه که پُر از جور و ستم شده باشد، همانا او مهدی است.»

۵- قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: «لَوْ لَمْ يَبْقَ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا يَوْمٌ وَاحِدٌ لَطَوَّلَ اللَّهُ ذَلِكَ الْيَوْمَ حَتَّى يَمْلِكَ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي تَجْرِي الْمَلَا حِمُّ عَلِيٍّ بَدْيِهِ، وَيُظْهِرُ الْإِسْلَامَ، لَا يُخْلِفُ اللَّهُ وَعْدَهُ وَهُوَ سَرِيعُ الْحِسَابِ.»<sup>۲</sup>

«پیامبر(ص) فرمود: اگر از عمر دنیا فقط یک روز هم بماند خداوند آن روز را آنقدر طولانی خواهد کرد تا اینکه مردی از اهل بیت من با برپائی نبردهائی شدید به حکومت میرسد و اسلام را آشکار می کند که وعده خدا تخلف پذیر نبوده و او سریع الحساب است.»

بخش دوم:

رهبر موعود

## تابش پرتو امید

مهمترین مسئله‌ای که طاغوتیان را می‌هراساند و حکام مستبد را نگران می‌کند اندیشه دشمنی با سلطه و استبداد آنان است. آنها خواهان بردگی مردم و بازی با سرنوشت و ثروت‌های آنانند و از مردم نیز انتظار دارند که با طیب خاطر و خوشحالی هرچه تمامتر آنها را بپذیرند! و به خود اجازه ندهند حتی فکر مخالفت و معارضه کردن با رژیم حاکم را در سر بپرورانند. زیرا نه تنها بر جسم مردم حکومت می‌کند بلکه خواستار سلطه بر عقل و فکر و احساس آنان نیز هست. و آنگاه که رژیم ستمگر احساس نمود که اندیشه‌ای مخالف در ذهن شخصی و یا گروهی در حال پرورش است... جایی برای او جز در دل زمین و چاره‌ای جز مرگ و فنا برایش نیست

و آنها باید در پی یک مرحله سخت تنبیهی صورت گیرد؛ چه مخالف حق حیات ندارد.

### اهل بیت - مخالفت و مبارزه پی گیر

اهل بیت علیهم السلام، ذرّیة پاک رسول خدا حضرت محمد صلی الله علیه وآله که خداوند آنان را برای رهبری این امت و بدوش گرفتن مسئولیت مکتب و حفظ اصالت و پاکی و دورنگهداشتن آن از آلودگی و تحریف و انحراف آماده کرده است؛ لازم است که با حضورشان و ایفای نقش توجیهی و بیدارکننده خود و پشتیبانی از مکتب، مهمترین جبهه مخالفت و مبارزه را تشکیل دهند. چه آنان در برابر حکام طاغوتی اموی و عباسی که بناحق و بدون لیاقت و شایستگی بر این امت مسلط شدند به منزله شبحی ترسناک و مانعی سرسخت در راه گمراه شدن مردم و برحذر داشتن آنان از استبداد و حاکمیت دروغین اند و لذا بیش از دیگران مورد ستم و سرکوب حکام بوده اند.

اهل بیت و پیروان برگزیده شان متحمل هرگونه ستم و قلع و قمع که حکام جابر علیه آنان بکار می بردند شده و با پایداری و سیاستی حکیمانه و اندیشه های مکتبی و سنجیده توانستند به یاری مکتب خود از تمام دوره های سیاه بگذرند و

بر آن شرایط و اوضاع سخت چیره شوند و از همه موانعی که زمامداران به منظور ایجاد شکاف و جدائی بین توده‌های امت و شالوده دین عظیم و رهبران راستین و واقعی ساخته بودند عبور نمایند.

با گذشت بیش از دو قرن از مبارزه سرسختانه ای که زمامداران طی آن همه امکانات و کوشش‌های خود را علیه اندیشه حق طلبانه و پیشوایان راه هدایت و ارشاد بکار بردند جبهه حق طلبان ادامه و دامنه مخالفت در بین توده‌های امت و ملل مسلمان گسترش یافت؛ و اطمینان مردم و تفاهم و همفکری آنان درباره رهبران مکتبی یعنی اهل بیت علیهم السلام فزونی گرفت.

در نیمه قرن سوم پیروان اهل بیت در همه کشورهای اسلامی پراکنده شده بودند و در مغرب کشور عظیمی داشتند که توانست بخش مهمی از کشور اسلامی را از چنگ حکام سرکش عباسی بدرآورد. در طبرستان انقلابی بزرگ به وجود آوردند که توانست بر سردمداران رژیم حاکم، پیروز و با اعلام انفصال آن خطه از حکومت عباسی یک حکومت علوی را تأسیس نماید.

در کوفه، نشانه‌ها و مقدمات یک انقلاب و در حجاز تلاشهایی در راه ایجاد شورش و در یمن وجود مخالفان، همه و همه زائیده یک اندیشه انقلابی مکتبی است که اهل بیت میان امت مسلمان رواج دادند.

## امام حسن عسکری (ع) - رهبری دانا و حکیم

امامی که رهبری طلایه داران امت را در آنزمان بعهده داشت، همانا امام یازدهم از ائمه اهل بیت حضرت امام حسن بن علی العسکری بود که از طرف حکام وقت مجبور شد تا در سامراء پایتخت خلفای عباسی زندگی کند.

اما علیرغم همه فشارها و مراقبت های دقیقی که از طریق حکام علیه آنحضرت و حتی در بازداشتگاه یازندان اعمال می شد، همچنان نقش خود را در توجیه و ارشاد و بیداری امت و رهبری پیشتازان آن جامعه ایفا می کرد.

حقوق شرعی اعم از خمس و زکوة، بصورتی بسیار محرمانه به امام حسن عسکری، وسیله یکی از وکلای مورد اطمینان خود بنام عثمان بن سعید عمری از علمای بزرگ می رسید؛ لیکن امام وی را به تجارت روغن واداشت تا این شغل بصورت سرپوشی ظاهری، روی کار مهم رساندن اموال و نیابت حضرت را بشکلی بسیار مخفی و محرمانه پوشاند.

وی بعنوان یک روغن فروش، خیک های روغن را از اموال جمع آوری شده یعنی حقوق شرعی پُر می کرد، سپس درحالیکه آن خیک ها به ظاهر آغشته به روغن بودند آنها را به منزل امام حسن عسکری می فرستاد. بدیهی است وارد کردن این خیک ها به منزل امام شبهه و شکی برای جاسوسان ایجاد

نمی کرد.<sup>۱</sup>

کما اینکه حضرت امام حسن عسکری به یکی از اصحاب خود بنام محمد بن مسعود عیاشی مأموریت داد تا روایات باقی مانده از ائمه اهل بیت را که به سبب جو خفقان آلود و وحشت از هم پاشیده بود جمع آوری کند. و بدین ترتیب عیاشی ثروت کلان پدری خویش را صرف این مهم نمود تا جائی که منزلش چون مسجد محلّ تجمع ده ها تن نسخه بردار و مقابله کننده و خواننده و مفسر بود... در نتیجه این تلاش و کوشش فراوان، بیش از دو یست جلد کتاب مشتمل بر احادیث اهل بیت و رهنمودهای آنان در زمینه های گوناگون جمع آوری کرد.<sup>۲</sup>

و در عین اینکه توده های مسلمان از آمادگی و پشتکار بیشتری برخوردار بودند اما نگرانی طلایه داران ایمان در این بود که آینده این تلاشها و سرنوشت بیداری صحیح دینی پس از امام حسن عسکری که یقیناً همچون آباء گرامیش بدستور حکام به زندگیش پایان داده می شد چه خواهد بود و بعد از آنحضرت، رهبری بعهدہ چه کسی است؟ و آن پیشوائی که مسئولیت مکتب و رهبری جامعه مسلمان را بعهدہ گیرد کیست؟

۱. کتاب غیبت صفری، سید محمد صدر، صفحه ۲۲۷.

۲. سیرة الائمه و تأسیس الشیعة لعلوم الاسلام.

مؤمنین این سؤالات را از خود می پرسیدند... ولی بزودی به یاد احادیث مؤکد و متواتری از پیامبر اسلام صلی الله علیه وآله می افتادند که در آن بگونه ای رُک و آشکار آمده است که:

خداوند متعال برای این امت دوازده امام معصوم در نظر گرفته است که خود را وقف خدمت در مسیر حفظ شریعت و نشر رسالت عظیم اسلامی کرده اند.

و نیز در کتاب صحیح بخاری (جزء چهارم صفحه ۱۷۵ چاپ مصر، سال ۱۳۵۵) بنقل از رسول خدا صلی الله علیه وآله آمده است که:

«يَكُونُ إِنَّا عَشْرَ أَمِيرٍ كُلُّهُمْ مِنْ قُرَيْشٍ.»  
 «دوازده امیر می آیند که جملگی اهل قریش اند.»

و نظیر این احادیث در صحیح مسلم و ترمذی و همه کتب حدیث نقل شده است.<sup>۱</sup>  
 جامعه اسلامی تابحال امامت و رهبری یازده امام را درک نموده و در پرتو رهنمودهای امام حسن عسکری بعنوان

۱. در کتاب با ارزش «منتخب الاثر» علامه صافی گلپایگانی بیش از سیصد حدیث از صحاح و مجامع و مسانید جمع آوری شده است و همگی حکایت از وجود دوازده امام و جانشین پس از پیامبر اسلام صلی الله علیه وآله می کند.



یازدهمین پیشوا بسر می برد و اما این دوازدهمین امام که بعنوان خاتم اوصیاء و جانشینان رسول خدا صلی الله علیه وآله و آخرین رهبر امت مسلمان برگزیده شده کیست؟

امام حسن عسکری که تا کنون صاحب پسری نشده است و حکومت وقت هم این مسئله را دقیقاً زیر نظر داشته زیرا که احادیث به وجود امامی بشارت داده اند که بدست وی ریشه های ستم و گردن کشی قلع و قمع می گردد و حکومت امنیتی و ایمان برقرار می شود.

### جلوه های فجر

سال دو یست و پنجاه و پنج هجری فرا رسید تا بهمه این پرسش ها یک پاسخ قاطع دهد...

امام حسن عسکری (ع) با کنیزی پاکدامن از خاندان قیصر روم که نسبت او به شمعون جانشین حضرت مسیح منتهی می شود ازدواج کرد...

و خداوند اراده فرمود تا این کنیز که روایات درباره پاکدامنی و معرفت و ایمان او به درازا سخن گفته اند؛ مادر خاتم اوصیاء پیامبر صلی الله علیه وآله و رهائی بخش بندگانش و پشتیبان دینش و دوازدهمین پیشوا و حجت گردد.

او به امام موعود حامله شد و این در زمان معتر خلیفه

عبّاسی بود که نسبت به امام حسن عسکری شدیداً سنگدل بود و سعی داشت که آنحضرت را پیش از تولّد پیشوای موعود نابود کند... ولی تا زمانیکه خداوند اراده فرموده است که نور خود را علیرغم مخالفت و نارضایتی کافران بحدّ کمال برساند؛ کاری از دستش ساخته نبود.

جنین در شکم مادرش که همچون دیگر زنان حضرت عسکری(ع) زیر نظر جاسوسان حکومتی قرار داشت پوشیده و پنهان بود و هیچگونه اثر و نشانه ظاهری نداشت.

در آستانه تولّد آن حضرت آسمان سیاست مملو از ابرهای موسمی گردید که هرگاه شهوت حکومت و فرمانروائی در یکی از افراد خاندان حاکم عبّاسی زبانه می کشید همراه با سران ارتش برای براندازی خلیفه حاکم و بدست گرفتن مقام وی، مشغول توطئه می شد...

کما اینکه عیناً واقعه ای در بیست و هفتم رجب سال ۲۵۵ هجری رخ داد و در آن تاریخ محمّد المهدی عبّاسی علیه عموزاده خود المعترز فرزند متوکل عبّاسی و با تشویق سران ارتش تُرک دست بیک توطئه زد و در نتیجه المعترز خلع و برای المهدی بیعت گرفته شد. طبعاً این رویداد پی آمدهائی سیاسی داشت تا خلیفه جدید را برای مدتی به خود مشغول کند و برای خاندان حضرت عسکری(ع) یک مرحله از آرامش نسبی تأمین نمایند تا اینکه تولّد امام موعود سپری شود و عملاً هم این تولّد خیلی آرام و بی صدا در نیمه شب پانزدهم شعبان و

درست هیچ‌جده شب پس از به قدرت رسیدن المهتدی صورت گرفت.

### نوری درخشید

می‌لاد این نوزاد، داستان جالبی داشت که برای خوانندگان بازگومی کنیم:

«حَدَّثَنِي حَكِيمَةُ بِنْتُ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الْجَوَادِ،  
أُخْتُ الْإِمَامِ عَلِيِّ الْهَادِي عَمَّةُ الْإِمَامِ الْحَسَنِ  
الْعَسْكَرِيِّ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ.

بَعَثَ إِلَيَّ أَبُو مُحَمَّدٍ الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ:  
يَا عَمَّةُ اجْعَلِي أَفْطَارِكِ عِنْدَنَا هَذِهِ اللَّيْلَةَ فَإِنَّهَا  
اللَّيْلَةُ النُّصْفُ مِنْ شَعْبَانَ فَإِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ  
تَعَالَى سَيُظْهِرُ فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ الْحُجَّةَ، وَهُوَ  
حُجَّتُهُ فِي أَرْضِهِ.

قَالَتْ: فَقُلْتُ لَهُ: وَمَنْ أُمُّهُ؟

قَالَ لِي: نَرْجِسُ.

قُلْتُ لَهُ: جَعَلَنِي اللَّهُ فِدَاكَ وَاللَّهِ مَا بَهَا آثَرٌ!!

فَقَالَ: هُوَ مَا أَقُولُ لَكَ

قَالَتْ: فَجِئْتُ فَلَمَّا سَلَّمْتُ وَجَلَسْتُ، فَجَاءَتْ

نَرْجِسُ تَتْرَعُ خَفِي وَقَالَتْ لِي: يَا سَيِّدَتِي وَسَيِّدَةَ

أهلي كيف أمسيت؟

فقلت: بل أنت سيدتي وسيدة أهلي.

قالت: فأنكرت قولي، وقالت: ما هذا يا عمّة؟

فقلت لها: يا بُنَيَّةُ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى سَيَهَبُ لَكَ فِي

لَيْلَتِكَ هَذِهِ عَلَامًا سَيَدَأُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ...

فَجَلَّتْ وَاسْتَحْيَتْ.

فَلَمَّا إِذْ فَرَعْتُ مِنْ صَلَاةِ الْعِشَاءِ الْآخِرَةِ،

أَفْطَرْتُ وَأَخَذْتُ مَضْجَعِي فَرَقَدْتُ فَلَمَّا أَنْ كَانَ

فِي جَوْفِ اللَّيْلِ، قُمْتُ إِلَى الصَّلَاةِ فَفَرَعْتُ مِنْ

صَلَاتِي وَهِيَ نَائِمَةٌ لَيْسَ بِهَا حَادِثَةٌ!! ثُمَّ جَلَسْتُ

مُقَابِلَةَ ثُمَّ اضْطَجَعْتُ ثُمَّ انْتَبَهْتُ فَرَزَعَةٌ وَهِيَ

رَافِدَةٌ.

ثُمَّ قَامَتْ نَرْجِسُ فَصَلَّتْ وَنَامَتْ.

قَالَتْ حَكِيمَةٌ: وَخَرَجْتُ أَتَفَقَّدُ الْفَجْرَ، فَإِذَا

أَنَا بِالْفَجْرِ الْأَوَّلِ كَذَنِبِ السَّرْحَانِ وَهِيَ نَائِمَةٌ!

فَدَخَلَنِي الشُّكُّ فَصَاحَ بِي أَبُو مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ مِنْ

الْمَجْلِسِ: لَا تَفْجَلِي يَا عَمَّةُ فَهَذَا الْأَمْرُ

قَدْ قَرَبَ!

قَالَتْ: فَجَلَسْتُ وَقَرَأْتُ أَلَمَ السَّجْدَةِ وَبَسَ،

فَبَيْنَمَا أَنَا كَذَلِكَ، انْتَبَهْتُ نَرْجِسُ فَرَزَعَةٌ، فَوَثَبْتُ

إِلَيْهَا فَقُلْتُ: بِسْمِ اللَّهِ عَلَيْكَ، أَتَحْسِنَ شَيْئًا؟

قَالَتْ: نَعَمْ يَا عَمَّةُ.

فَقُلْتُ لَهَا: اجْمَعِي نَفْسَكَ وَاجْمَعِي قَلْبَكَ فَهُوَ

مَا قُلْتُ لَكَ.

قَالَتْ حَكِيمَةٌ: فَأَخَذْتَنِي فَتْرَةً، وَأَخَذْتُهَا فَتْرَةً وَ  
 انْتَبَهْتُ يَحْسُ سَيِّدِي الْإِمَامُ الْمُنْتَظَرُ!  
 فَكَشَفْتُ عَنْهَا فَإِذَا أَنَا بِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ سَاجِدًا  
 يَتَلَقَّى الْأَرْضَ بِمَسَاجِدِهِ فَضَمَّتُهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ،  
 فَإِذَا أَنَا بِهِ نَظِيفٌ مُنْتَظَفٌ!  
 فَصَاحَ لِي أَبُو مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: هَلْتَنِي إِلَيَّ ابْنِي  
 يَا عَمَّةُ.

فَجِئْتُ بِهِ إِلَيْهِ. فَوَضَعَ يَدَيْهِ تَحْتَ أَلْيَتَيْهِ وَظَهْرَهُ  
 وَوَضَعَ قَدَمَهُ فِي صَدْرِهِ، ثُمَّ أَذَلِّي لِسَانَهُ فِي فِيهِ وَ  
 أَمَرْتَهُ عَلَى عَيْنَيْهِ وَسَمْعِهِ وَمَفَاصِلِهِ.  
 وَبَعْدَ أَنْ أَجْرَى عَلَيْهِ مَرَامِيمَ خَاصَّةً، قَالَ  
 لِعَمَّتِي حَكِيمَةٌ: يَا عَمَّةُ أَذْهَبِي بِهِ إِلَى أُمَّهِ... ثُمَّ  
 أُتَيْتِي بِهِ...

ثُمَّ قَالَ: يَا عَمَّةُ إِذَا كَانَ يَوْمَ السَّابِعِ فَأَتِينَا.  
 قَالَتْ حَكِيمَةٌ: فَلَمَّا أَصْبَحْتُ جِئْتُ لِأَسْلَمَ عَلَيَّ  
 أَبِي مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَكَشَفْتُ الشَّرَّ لِأَتَفَقَّدَ  
 سَيِّدِي عَلَيْهِ السَّلَامَ فَلَمْ أَرَهُ.  
 فَقُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ مَا فَعَلَ سَيِّدِي؟

١. دنباله حدیث بدین ترتیب ادامه می یابد:

«... ثُمَّ قَالَ تَكَلَّمْتُ يَا بُنْتَى فَقَالَ أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ  
 وَخَدَّةٌ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ  
 وَآلِهِ ثُمَّ صَلَّى عَلَيَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَعَلَى الْأَيْمَةِ عَلَيْهِمُ  
 السَّلَامُ إِلَى أَنْ وَقَفَ عَلَيَّ أَبِي ثُمَّ أَحْجَمَ...»

فَقَالَ الْإِمَامُ الْعَسْكَرِيُّ: يَا عَمَّةُ اسْتَوْدِعْنَاهُ الَّذِي  
اسْتَوْدَعْتَ أُمَّ مُوسَى...<sup>۱</sup>

«حکیمه خاتون دختر امام جواد و خواهر امام هادی و عمه  
امام حسن عسکری علیهم السلام در این مورد می گوید:  
ابومحمد حسن بن علی العسکری علیه السلام در پی من  
فرستاد و فرمود: امشب افطار نزد ما باش چه آن شب  
نیمه شعبان است و خدای تبارک و تعالی در این شب  
حجّت را ظاهر خواهد ساخت و او حجّت خداست در  
زمین.

گفت: بدو عرض کردم: مادرش کیست؟

بمن فرمود: نرجس.

عرض کردم: قربانت شوم اثری در او نمی بینم!!

امام فرمود: همین است که به تومی گویم.

گفت: پس آمدم و سلام کردم و نشستم، آنگاه نرجس

برای درآوردن نعلینم بسوی من آمد و به من گفت: ای

بانوی من و خانواده ام، شب را چگونه بسر بردی؟

گفتم: این توئی بانوی من و بانوی خانواده ام.

سخنم را رد کرد و گفت: عمه این چه سخنی است؟

گفتمش: دخترم خدای تعالی امشب بتو پیری عطا خواهد

فرمود که هم در دنیا و هم در آخرت آقا خواهد بود... پس

وی خجل و شرمسار گردید.

من پس از فراغت از نماز عشاء، افطار کردم و در بستر

خوابیدم چون نیمه شب شد برخاستم و نماز خواندم وقتی از

نماز فارغ شدم او همچنان خواب بود و هیچ اثری در او نبود! سپس نشستم و دعا خواندم و دراز کشیدم، پس از آن هراسان از خواب پریدم و او هنوز خواب بود.

سپس نرجس بیدار شد و بعد از خواندن نافله های شب دوباره خوابید.

حکیمه گوید: برای دیدن سپیده دم از اطاق بیرون آمدم که فجر اول یا فجر کاذب را مشاهده نمودم و او همچنان در خواب بود! به شک افتادم که یکباره ابومحمد علیه السلام از محل خود بانگ برآورد و فرمود: عمه جان شتاب مکن اینجاست که آن امر نزدیک است.

حکیمه گوید: پس نشستم و مشغول خواندن سوره های «الم سجده» و «یس» شدم در این میان نرجس هراسان از خواب بیدار شد. بطرف او شتافتم و گفتم: نام خدا بر تو باد، آیا چیزی احساس می کنی؟

گفت: آری عمه.

گفتم: خودت را جمع کن و دل آسوده دار زیرا همانیست که بتو گفتم:

حکیمه گوید: یک حالت آرامش و فتوری به من و او دست داد که به صدای سرورم امام موعود به خود آمدم!

پس جامه از روی نرجس کنار زدم که مولای خود را دیدم که در حال سجده و مواضع سجودش بر زمین است. او را به آغوش کشیدم دیدم پاک و پاکیزه است.

آنگاه ابومحمد علیه السلام صدا زد: عمه جان، فرزندم را نزد من بیاور.

او را نزدش بردم. دست مبارکش را زیر کمر و پشتش قرار

داد و پاهای او را بر سینه خود گذارد و زبان در دهانش نهاد و دودستش را بر چشمها و گوشها و مفاصلش کشید. پس از اجرای مراسمی ویژه، روی به عمه اش حکیمه خاتون نموده و فرمود: عمه جان او را نزد مادرش ببر. سپس اضافه کرد: عمه جان روز هفتم به سراغ ما بیا. حکیمه گوید: صبح که شد برای ادای سلام نزد حضرت ابومحمد حسن عسکری علیه السلام آمدم و پرده را کنار زدم تا موعود را ببینم... اما او را نیافتم.

عرض کردم: فدایت گردم، سرورم را چه کرده اند؟ امام عسکری علیه السلام فرمود: عمه جان او را همانگونه که مادر موسی، فرزندش را به ودیعه گذارد؛ ما نیز او را به ودیعه گذاردیم.»

و بدینسان میلاد مهدی موعود علیه السلام بصورت محرمانه و پنهانی و همراه با آرامش و امنیت نسبی که دگرگونی های سیاسی فراهم آورده بود؛ پایان یافت.

## اعلام آرام

وقتی که اوضاع و شرائط جامعه، اختفاء و پنهانی امام مهدی (ع) را هنگام بارداری مادر گرامیش، و در نخستین روز تولد، حتی از عمه اش حکیمه خاتون که شاهد لحظه های



تولدش نیز می باشد، ایجاب می کند؛ پس چگونه توده های مؤمن و نگران آینده مکتب و سرنوشت قیام همگانی و انقلاب خطیر و جهانی از میلاد و وجود حضرتش بعنوان رهبر آن قیام مطلع و مطمئن باشند؟ و این در حالی است که در آتش عشق ظهور امام دوازدهم که احادیث و مکاتب آسمانی مؤکداً از آن یاد کرده اند می سوختند.

و بر امام حسن عسکری (ع) نیز لازم بود که عهده دار این دو امر مهم باشد:

یکی پنهان کردن میلاد مهدی (ع) و دور نگهداشتن حضرتش از دید جاسوسان حکومتی و دیگر مطلع نمودن افراد مؤمن و معتقد از وقوع میلاد مهدی موعود.

از این رو امام حسن عسکری (ع) کار اعلام آرام را بدینسان آغاز نمود:

۱ - یکی از یاران مطمئن خود مأموریت داد تا مقدار زیادی نان و گوشت را میان شخصیت های بنی هاشم و افراد سرشناس و با ایمان بگونه ای که جلب توجه ننماید توزیع و مژده تولد امام موعود را به آنان دهد.

از ابوجعفر العمری نقل شده است:

«لَمَّا وُلِدَ السَّيِّدُ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ أَبُو مُحَمَّدٍ  
ابْعَثُوا إِلَيَّ أَبِي عَمْرٍو فَبِعِثَ إِلَيْهِ، فَصَارَ إِلَيْهِ.  
فَقَالَ لَهُ الْإِمَامُ الْعَسْكَرِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِشْتَرِ  
عَشْرَةَ آلَافٍ رِطْلٍ خُبْزٍ وَعَشْرَةَ آلَافٍ رِطْلٍ لَحْمٍ وَ

فَرَّقَهُ حِشْبَةً عَلَىٰ بَنِي هَاشِمٍ وَعُقَّ عَنْهُ بِكَذِّا وَ كَذَا  
شَاءَ.»<sup>۱</sup>

«زمانیکه حضرت مهدی (ع) متولد شد ابو محمد عسکری  
علیه السلام فرمود: دنبال ابوعمر و بفرستید. پس دنبالش  
فرستادند و نزد امام آمد.  
امام عسکری علیه السلام باو فرمود: ده هزار رطل نان و  
ده هزار رطل گوشت بخور و آنرا در راه خدا میان بنی هاشم  
تقسیم کن و برای فرزندم این مقدار رأس گوسفند را عقیقه  
کن.»

از محمد بن ابراهیم کوفی نقل شده است که:

«إِنَّ أَبَا مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ بَعَثَ إِلَيَّ بَعْضَ مَنْ سَمَّاهُ  
لِي شَاءَ مَذْبُوحَةً وَقَالَ: هَذِهِ مِنْ عَقِيْقَةِ ابْنِي  
مُحَمَّدٍ.»<sup>۲</sup>

«حضرت ابو محمد حسن عسکری علیه السلام برای برخی  
افراد که نامشان را برای من ذکر کرد؛ گوسفند ذبح  
شده ای را فرستاد و فرمود: این از عقیقه پسر محمد  
است.»

و از حسن بن منذر به نقل از حمزة بن ابی الفتح نقل  
شده است:

«كَانَ يَوْمًا جَالِسًا فَقَالَ: لِي الْبِشَارَةُ وُلِدَ

۱. منتخب الاثر، صفحه ۳۴۱.

۲. منتخب الاثر، صفحه ۳۴۳.

الْبَارِحَةَ مَوْلُودًا لِأَبِي مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَأَمَرَ  
بِكِتْمَانِهِ، وَأَمَرَ أَنْ يُعَقَّ عَنْهُ ثَلَاثُمِائَةَ شَاةٍ قُلْتُ وَمَا  
إِسْمُهُ؟ قَالَ: يُسْنَى مُحَمَّدًا»<sup>۱</sup>

«یک روز که نشسته بود روبه من کرد و گفت: مرده...  
دیشب نوزادی برای ابومحمد(ع) به دنیا آمد و دستور داد  
که این رازپنهان بماند و برای وی سیصد رأس گوسفند  
عقیقه کنند پرسیدم: نامش چیست؟ گفت: محمد.»

علی بن ابراهیم از اصحاب امام عسکری(ع)

می گوید:

«وَجَّهَ إِلَيَّ مَوْلَايَ أَبُو مُحَمَّدٍ بِأَرْبَعَةِ أَكْبُشٍ وَكَتَبَ  
إِلَيَّ:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، هَذِهِ عَنْ ابْنِي مُحَمَّدٍ  
الْمَهْدِيِّ وَكُلِّ هَنِيئًا وَأَظْلِعِمُّ مَنْ وَجَدَتْ مِنْ  
شِيعَتِنَا.»<sup>۲</sup>

«مولایم ابومحمد علیه السلام چهار قوچ برای من فرستاد و  
نوشت:

بنام خداوند بخشنده مهربان، این از عقیقه فرزندم محمد  
مهدی است گوارایت باد خودت بخور و به هر یک از  
شیعیان ما هم که دیدی بخوران.»

۱. منتخب الاثر، صفحه ۳۴۳.

۲. الامام المهدي، علی محمد علی دخیل، صفحه ۱۲۶ بنقل از

بحار الانوار و غیبت شیخ طوسی.

۲ - حضرت عسکری علیه السلام خبر ولادت فرزندش حضرت مهدی (ع) را شفاهاً به برخی از یاران مورد اعتماد خود داد. وی ابوهاشم جعفری<sup>۱</sup> و ابوطاهر بلالی<sup>۲</sup> را نیز از این ولادت آگاه نمود. احمد بن اسحاق بن سعد از حضرت عسکری علیه السلام نقل می کند:

«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يُخْرِجْنِي مِنَ الدُّنْيَا حَتَّى  
أَرَانِي الْخَلْفَ مِنْ بَعْدِي، أَشْبَهُ النَّاسَ بِرَسُولِ اللَّهِ،  
خُلُقاً وَخُلُقاً، يَحْفَظُهُ اللَّهُ فِي غَيْبَتِهِ، وَيُظْهِرُهُ  
فَيَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطاً وَعَدْلًا كَمَا مُلِئْتُ جَوْرًا وَ  
ظُلْمًا.»<sup>۳</sup>

«مرخدای را شکر که مرا از این دنیا بیرون نبرد تا اینکه خلف پس از خودم را نشانم داد. او به لحاظ خوی و خلقت، شبیه ترین مردم به پیامبر خدا است. خداوند بهنگام غیبت نگهبان اوست، سپس او را ظاهر می کند تا زمین را مالا مال از عدل و داد نماید همانگونه که از ظلم و جور پر شده باشد.»

۳ - امام عسکری علیه السلام، به رهبران جوامع مسلمانان هر شهر و منطقه ای که طرفدار اهل بیت بودند کتباً خبر ولادت امام موعود را داد.

۱. کشف الغمة، صفحه ۳۴۲.

۲. کمال الدین، صفحه ۱۷۶.

۳. منتخب الاثر، صفحه ۳۴۲.

در نامه‌ای که به موسی بن جعفر بن وهب بغدادی نوشت؛ آمده است:

«زَعَمُوا أَنَّهُمْ يُرِيدُونَ قَتْلِي فَيَقْطَعُونَ هَذَا النَّسْلَ وَ  
 قَدْ كَذَّبَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ قَوْلَهُمْ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ.»<sup>۱</sup>  
 «به گمان آنان که در صدد کشتن من بودند این نسل قطع  
 می‌شد؛ لیکن خداوند عزوجل این گفته آنان را تکذیب  
 کرد و خدا را سپاس می‌گویم.»

و در نامه‌ای که برای احمد بن اسحاق عالم بزرگ  
 ایرانی به قم فرستاد چنین نوشت:

«وُلِدْنَا مَوْلُودًا فَلْيَكُنْ عِنْدَكَ مَسْتُورًا، وَعَنْ جَمِيعِ  
 النَّاسِ مَكْتُومًا، فَإِنَّا لَمْ نُظْهِرْ عَلَيْهِ إِلَّا الْأَقْرَبَ  
 لِقَرَابَتِهِ وَالْوَلِيَّ لِوِلَايَتِهِ، أَحْبَبْنَا إِعْلَاقَكَ لِشَرِكِ  
 اللَّهِ بِهِ مِثْلَ مَا سَرَّنا بِهِ وَالسَّلَامُ.»<sup>۲</sup>  
 «فرزندم متولد شد و باید این مطلب نزد تو مستور بماند و از  
 همه مردم پوشیده باشد. زیرا ما جز خویشان نزدیک و  
 دوستان پذیرای ولایت او را باین امر آگاه نمی‌کنیم و  
 مایل بودیم که تو را از این خبر مطلع سازیم تا خدا  
 همانگونه که ما را خشنود نمود تو را نیز خوشحال و خشنود  
 سازد والسلام.»

۱. منتخب الاثر، صفحه ۳۴۲.

۲. منتخب الاثر، صفحه ۳۴۴.

و از علی بن بلال نقل شده است:

«خَرَجَ إِلَى مَرَّةٍ مِنْ أَبِي مُحَمَّدٍ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ  
الْعَسْكَرِيِّ قَبْلَ مُضِيِّهِ بِسِتِّينَ يُخْبِرُنِي بِالْخَلْفِ مِنْ  
بَعْدِهِ، ثُمَّ أَخْرَجَ إِلَى مَرَّةٍ قَبْلَ مُضِيِّهِ بِثَلَاثَةِ أَيَّامٍ  
يُخْبِرُنِي بِالْخَلْفِ مِنْ بَعْدِهِ.»<sup>۱</sup>

«از جانب امام حسن عسکری علیه السلام دو سال پیش از  
وفاتش پیامی به من رسید که از جانشین بعد از خود به من  
خبر داد و بار دیگر سه روز پیش از وفاتش پیامی رسید و از  
جانشین پس از خود به من خبر داد.»

و همچنین حضرت عسکری (ع) خبر ولادت قائم (ع)  
را کتباً به اطلاع مادر گرامیش رساند.<sup>۲</sup>

۴ — امام عسکری (ع) حضور پیروان خاصش را  
غنیمت شمرده و یا تعمداً آنان را در مجلس خود جمع می نمود  
تا بدینوسیله امام مهدی را به آنان معرفی نموده و برایشان تأکید  
کند که او امام دوازدهمشان است.

معاویة بن حکیم و محمد بن ایوب بن نوح و محمد بن  
عثمان عمری نقل کرده اند:

۱. الامام المهدی، علی محمد علی دُخَیل، صفحه ۱۲۷ بنقل از المجالس

السنیة.

۲. الامام المهدی، علی محمد علی دُخَیل، صفحه ۱۲۷ بنقل از

کمال الدین.

«عَرَضَ عَلَيْنَا أَبُو مُحَمَّدٍ الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَوَلَدُهُ وَنَحْنُ فِي مَنْزِلِهِ وَكُنَّا أَرْبَعِينَ رَجُلًا، فَقَالَ: هَذَا إِمَامُكُمْ مِنْ بَعْدِي وَخَلِيفَتِي عَلَيْكُمْ، أَطِيعُوا وَلَا تَتَفَرَّقُوا مِنْ بَعْدِي فِي آدْيَانِكُمْ لِتُهْلِكُوا أَمَا إِنَّكُمْ لَا تَرَوْنَهُ بَعْدَ يَوْمِكُمْ هَذَا. قَالُوا: فَخَرَجْنَا مِنْ عِنْدِهِ فَمَا مَضَتْ إِلَّا أَيَّامًا قَلِيلًا حَتَّى مَضَى أَبُو مُحَمَّدٍ.»<sup>۱</sup>

«چهل نفر در منزل ابو محمد حسن بن علی علیه السلام بودیم که او پسرش را بما نشان داد و فرمود: پس از من این امام و خلیفہ شما خواهد بود، از او اطاعت کنید و بعد از من در دین خود پراکنده و متفرق نشوید کہ هلاک و نابود می گردید و دیگر روز او را نخواهید دید گفتند: پس از نزد وی بیرون آمدیم چند روزی نگذشته بود کہ ابو محمد (ع) درگذشت.»

از عمر و اہوازی نقل شده است:

«أَرَانِي أَبُو مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ ابْنَهُ وَقَالَ هَذَا صَاحِبُكُمْ مِنْ بَعْدِي.»<sup>۲</sup>

«حضرت عسکری (ع) پسرش را بما نشان داد و فرمود: پس از من این مولا و صاحب شماست.»

۱. منتخب الاثر، صفحہ ۳۵۵.

۲. منتخب الاثر، صفحہ ۳۵۶ بنقل از غیبت طوسی و کافی.

و نیز ابو غانم خادم در باره یکی از مشاهداتش چنین

گوید:

«وُلِدَ لِأَبِي مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَوْلُودٌ فَسَمَّاهُ  
مُحَمَّدًا، فَعَرَضَهُ عَلَيَّ أَصْحَابِيهِ يَوْمَ الثَّلَاثِ وَقَالَ:  
هَذَا صَاحِبُكُمْ مِنْ بَعْدِي وَخَلِيفَتِي عَلَيْكُمْ، وَهُوَ  
الْقَائِمُ الَّذِي تَمْتَدُّ عَلَيْهِ الْأَعْنَاقُ بِالْإِنْتِظَارِ، فَإِذَا  
امْتَلَأَتِ الْأَرْضُ جَوْرًا وَظُلْمًا خَرَجَ فَيَمْلَأُهَا قِسْطًا وَ  
عَدْلًا.»<sup>۱</sup>

«برای ابو محمد علیه السلام نوزادی بدنیا آمد که نامش را  
محمد نهاد، پس روز سوم او را به یارانش نشان داد و  
فرمود: پس از من، این سرور و خلیفه شما خواهد بود. او  
قائمی است که گردن‌ها به انتظار بسویش کشیده می‌شود  
و زمانی که زمین مالا مال از جور و ستم گردید ظاهر شده و  
آنها را پر از عدل و داد خواهد کرد.»

و بدین سان خبر میلاد مهدی در میان توده‌های با  
ایمان منتشر شده تا بذرا امید به آینده مکتب را که بدست  
حضرتش فروزان می‌گردید در دل‌های آنان کاشته و ابرهای  
نگران‌کننده شک و دودلی را از قلوب آنها بزداید.

۱. الامام المهدی، علی محمد علی دُخیل، صفحه ۱۳۲.



## هم اکنون، عمر او ۱۱۴۳ سال است؟<sup>۱</sup>

برای بشر چنین مقدر شده که در این دنیا برای مدتی محدود و معین زندگی نموده و سپس آنرا ترک کرده و بوسیله پل بنام مرگ به دنیای دیگر منتقل شود.

میانگین عمر آدمی در این دنیا، بین شصت تا هفتاد سال و گاهی به بیش از صد سال می رسد؛ ولی اگر سن انسان از صد گذشت و دست بگریبان دهه های قرن دوم حیات گردید، وارد حالتی استثنائی میگردد و تاریخ از آنان بعنوان معمرین یا افراد کهنسال یاد می کند.<sup>۲</sup>

بنابراین چگونه به وجود حضرتش که بسال دو یست و پنجاه و پنج هجری متولد شده و تابحال که سال ۱۳۹۷ هجری می باشد از عمر شریفش ۱۱۴۳ سال می گذرد؛ میتوان ایمان آورد. آیا برای بشر امکان دارد که این همه عمر کند؟

در واقع، برای شناخت امکانات این عمر طولانی باید از خود سؤال کنیم و بدنبال علت مرگ بگردیم که چرا مرگ پیش می آید؟

نزدیک به دو یست پاسخ برای این سؤال خطیر (علت

۱. با توجه به سال ترجمه کتاب که ۱۴۰۳ هجری است باید گفت که

هم اکنون عمر حضرتش، ۱۱۴۸ سال است. (مترجم).

۲. کتاب «المقرون» حاوی سرگذشت دراز عمران تاریخ است که

مستقلاً در این مورد نگاشته شده است. (مترجم).

مرگ) که چه بسا در محافل و مجالس علمی مطرح می شود  
موجود است، از آنجمله:

فقدان فعالیت بدن

پایان یافتن عمل اجزاء ترکیبی

انجماد و خشکیدن نسوج و بافتهای عصبی

جایگزین شدن مواد زلالی کم تحرک بجای مواد

زالالی پر تحرک

ضعف نسوج و بافتهای رابط

انتشار سموم مترشحه باکتریها در روده

.....

و پاسخهای بسیاری دیگر که درباره پدیده مرگ گفته

می شود.

سخن پیرامون فقدان فعالیت بدن، بعنوان علت مرگ

از نظر عقل جالب توجه است... چه ابزارآلات آهنی و چرمی

و پارچه ای همگی پس از زمان معینی که مورد استفاده قرار

می گیرند مستهلک شده و عمرشان به پایان می رسد. بدن ما نیز

همچون پوستینی که در زمستانها بتن می کنیم؛ فعالیت خود را

از دست می دهد. اما دانش نواین نظر را رد می کند زیرا

مشاهدات علمی درباره بدن انسان ثابت می کند که بدن

آدمی همچون ابزارآلات آهنی و یا چرمی و حتی مانند کوهها

نیست. بلکه نزدیکترین چیزی که می توان بدن انسان را بدان

تشبیه نمود همان رودخانه است که همچنان و بطور مداوم از

هزاران سال پیش بر روی سطح زمین جاری است و آیا کسی

می تواند ادعا کند که رودخانه جاری و روان، ناتوان شده و از بین می رود؟ و براین اساس بعقیده دکتر «لنس بالنج» برنده جایزه علوم نوبل از نظر تئوری، انسان تا حدود زیادی ابدی است چون سلولهای بدن او خود به خود هرگونه بیماری را معالجه و درمان می کند با این همه انسان بازهم ناتوان می شود و می میرد؛ و علل پدیده مرگ بصورت رازها و اسرار دانشمندان را گیج و متحیر ساخته است.

بدن ما پیوسته در حال نوسازی است؛ مواد زلالی سلولهای موجود در خونمان از بین رفته و نیز از نو ساخته می شوند. بهمین ترتیب تمام سلولهای بدن بجز سلولهای عصبی می میرند و جای آنها را سلولهای تازه می گیرند. دانشمندان از بررسی های علمی چنین برمی آید که خون انسان تقریباً هر چهار سال یکبار تماماً عوض می شود همانگونه که تمامی ذرات بدن انسان ظرف چند سال تعویض و نو می گردد.

بنابراین بدین نتیجه می رسیم که بدن آدمی همچون مجموعه ای ثابت و اسکلتی جامد نیست بلکه همانند رودخانه ای روان است که پیوسته در حال فعالیت می باشد و در نتیجه همه تئوریهائی که علت مرگ را ناشی از ناتوانی بدن و از دست دادن قدرت آن می دانند رد می نماید.

پس آنچه از بدن آدمی در کودکی و یا جوانی فاسد و یا دچار مسمومیت شده بود؛ دیرزمانی است که از بدن او خارج شده و معنی ندارد که آنها را انگیزه مرگ بدانیم، چه

علت مرگ در روده‌ها و نسوج و بافت‌های بدن و قلب نیست بلکه در چیز دیگری است.

برخی از دانشمندان مدعی هستند که بافت‌های عصبی علت مرگ است باین دلیل که تا پایان زندگی می‌مانند و بازسازی نمی‌شوند. اگر این گفته که سیستم عصبی خود نقطه ضعف بدن آدمی است صحت داشته باشد برای ما امکان دارد که بگوئیم هر بدنی که فاقد دستگاه اعصاب باشد حتماً پیش از آن دسته از موجودات دارای سیستم عصبی، زنده خواهد ماند. اما مشاهدات علمی براین گفته و نظر ما صحه نمی‌گذارند زیرا مثلاً سیستم عصبی در درختان موجود نیست و در عین حال بعضی از آنها مدتی طولانی زیست می‌کنند و برخی مانند گندم بیش از یکسال زنده نمی‌ماند. در موجوداتی چون آمیب با اینکه فاقد دستگاه عصبی است معه‌ذا بیش از نیم ساعت زنده نیست در صورتیکه بطور معمول بایستی این جانداران که از نظر رده وجودی در ردیف بالاتری به شمار می‌آیند و دارای سیستم عصبی کامل‌تر و بهتری می‌باشند؛ بیش از جانداران رده پائین‌تر و دارای سیستم عصبی ضعیف‌تر زنده بمانند لیکن واقعیت چیز دیگری است؛ چه عمر لا ک پشت و تمساح و ماهی «باتیک» از هر حیوان دیگری بیشتر است در حالیکه همه از نظر نسل در رده پائین و دارای سیستم ضعیفی می‌باشند.<sup>۱</sup>

پس چرا بدن آدمی با اینکه آمادگی هستی و جاودانگی داشته و دور از هرگونه علل اصولی و پنهانی مرگ می باشد بدون اینکه دچار عارضه خارجی که سبب مرگ و نابودی او گردد می میرد؟

تنها پاسخ واقعی آنست که مرگ به خواست و اراده خداوند خالق انسان صورت می گیرد و اوست که عمر آدمی و لحظه مرگ او را تعیین می نماید و این ندای قرآن است که می فرماید:

«وَلَنْ يُؤَخِّرَ اللَّهُ نَفْسًا إِذَا جَاءَ أَجَلُهَا...»<sup>۲</sup>

«هرگاه زمان مرگ نفسی ( انسانی ) فرا رسد خداوند آن را بتأخیر نمی اندازد.»

و از آنجائیکه مسأله مرگ بخواست خداوند سبحان و اراده و مشیت او بستگی دارد، لذا بر مبنای حکمت پروردگار است که عمر هر فردی را بنا به حکمتی و مصلحتی تعیین نماید.

ممکن است این حکمت خداوند متعال ایجاب کند که به زندگی شخصی در دنیا در دوران کودکی و یا آغاز جوانی و بهار عمر پایان دهد... و ممکن است حکمت او ایجاب نماید که زندگی شخصی دیگر، صدها سال ادامه داشته باشد... کما اینکه قرآن در باره زندگی پیامبر خدا

۲. قرآن کریم، سوره منافقون، آیه ۱۱.

حضرت نوح علیه السلام چنین گوید:

«وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِ فَلَبِثَ فِيهِمْ أَلْفَ سَنَةٍ إِلَّا خَمْسِينَ عَامًا»<sup>۱</sup>

«و بتحقیق نوح را بسوی قومش فرستادیم پس نزد آنان نهصد و پنجاه سال درنگ نمود.»

از این رو بنظر می رسد که وجود امام مهدی علیه السلام جای تعجب و انکار ندارد و با تئوری علمی هماهنگ بوده و از نظر شواهد تاریخی تأیید شده است. حتی اگر این تئوری علمی ما را با دلائل قانع کننده کمک نکند و یا اینکه تاریخ نمونه های مشابهی بما ارائه نداده باشد؛ برای تفسیر این پدیده (طولانی بودن عمر امام مهدی علیه السلام) می توانیم بقانون اعجاز الهی که هم قوانین طبیعی شناخته شده در مقابل آن زانومی زنند و برایش زمینه انجام هر مسأله را در ارتباط با حکمت آسمانی و مغایرت سنت های شناخته شده زندگی، آزادانه باز می گذارد؛ دست یازید.

این حقیقتی است که یک فرد مؤمن به شریعت آسمانی در این باره جرّ و بحث نمی کند، چه کتب آسمانی، حمایت ابراهیم خلیل را از آتش گداخته ای که در آن انداخته شد و بدنیا آوردن مریم، عیسی را، و سخت شدن آب دریا

۲. قرآن کریم، سوره عنکبوت، آیه ۱۴.

.....

برای موسی و همهٔ این نوع مسائل و وقوع آنها را علیرغم مغایرت با قوانین مستدلّ علمی، اعلام داشته و تأکید می‌کند.

بخش سوم:  
تا کی؟



آنگاه که، آدمی را تازیانه‌های ستم و ظلم بدرد  
آورند، و جور و طغیان زمانه خسته و ناتوان سازد، و فساد و  
انحراف حاکم بر جامعه، آبرو و حیثیت او را ببرد؛ با قلبی پُر  
اشتیاق و چشمانی در انتظار، منجی عالم بشریت و امام  
عصرش را می‌خواند و با استغاثه و سردادن آه و ناله‌های سوزان  
و... ظهور هرچه زودتر امامش را درخواست خواهد کرد.

و هرگاه که انسانی مؤمن متوجه مظاهر کفر و نفاق  
شود و دست بدست دادن و هم‌پیمان شدن رژیم‌های ستمگر را  
برای پایمال کردن احکام اسلام ببیند و شرایط اختناق و  
وحشتی که مؤمنین مخلص و پاک در آن بسر می‌برند او را  
ناراحت کنند... در آنصورت است که به خدا پناه می‌آورد و از  
او درخواست می‌کند که هرچه زودتر امید انسانیت و امام  
برحق و ولی عصر و زمان ظهور کند.

گاهی این استغاثه بشکل دعائی تجلی می کند که  
بوسیله آن فرد با ایمان رو بسوی خدای حکیم خود می آورد تا با  
آشکار ساختن امام عصر علیه السلام و دین برحق و عدل خود به  
وعدۀ خویش جامۀ عمل بپوشاند:

«اللَّهُمَّ إِنَّا نَشْكُو إِلَيْكَ فَقَدْ نَبَيْْنَا صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ  
وَأَلِيهِ وَغَيْبَةَ وَلِيِّنَا وَكَثْرَةَ عَدُوِّنَا وَقِلَّةَ عَدَدِنَا وَ  
شِدَّةَ الْفِتَنِ بِنَا وَتَظَاهِرَ الزَّمَانِ عَلَيْنَا، فَصَلِّ  
عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَعِنَّا عَلَى ذَلِكَ بِفَتْحٍ  
مِنْكَ تُعَجِّلُهُ، وَبِضُرِّ تَكْثِيفُهُ، وَنَصْرِ تُعِزُّهُ، وَ  
سُلْطَانٍ حَقٍّ تُظْهِرُهُ وَرَحْمَةٍ مِنْكَ تُجَلِّلُنَاهَا وَ  
عَافِيَةٍ مِنْكَ تُلْبِسُنَاهَا بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ  
الرَّاحِمِينَ.»<sup>۱</sup>

«بارالها، ما بدرگاه تو از نبودن پیامبران که درودهایت بر  
او و خاندانش باد، و غیبت ولی و اماممان، و بسیاری  
دشمنانمان و کمی نفراتمان و از فشار فتنه های سخت و  
غلبه و تظاهر زمانه علیه ما شکایت می بریم، پس بر محمد  
و خاندانش درود فرست و ما را در مقابل اینهمه ناتوانی با  
فتحی سریع از جانب خود و برطرف ساختن رنج و سختی  
و نصرت با اقتدار و عزت و حکومت برحق که آشکارش  
سازی و رحمتی که بر همه ما شامل گردد و لباس عافیتی  
که ما را بپوشاند؛ یاری کن بحق رحمت بی نهایت ای  
مهربانترین مهربانان عالم.»

و زمانی در دعائی دیگر، تراژدی واقعیت با امیدهای تابناک آینده درهم می آمیزد و طلب یاری از خدا با خواستن قیام امام موعود بهم می پیوندد:

«هَلْ إِلَيْكَ يَا بَنَ أَحْمَدَ سَبِيلٌ فَتُلْقَى؟ هَلْ يَتَّصِلُ  
 بِوَفْدِنَا مِنْكَ بِغَدِهِ فَتَحْطَى؟ مَتَى تَرُدُّ مَنَا هِلَكَ  
 الرُّوْيَةَ فَتَرَوِي؟ مَتَى نَنْتَقِعُ مِنْ عَذَابِ مَا نِكَ  
 فَقَدْ طَالَ الصَّدَى؟ مَتَى تُغَادِيكَ وَتُرَاوِحُكَ فَتَقْرُ  
 عُيُونُنَا؟ مَتَى تَرَانَا وَتَرِيكَ وَقَدْ نَشَرْتَ لِيَاءَ النَّصْرِ؟  
 آتَرَانَا نَحْفُ بِكَ وَأَنْتَ تَأُمُّ الْمَمْلَأَ وَقَدْ  
 مَلَأْتَ الْأَرْضَ عَدْلًا وَأَذَقْتَ أَعْدَاكَ هَوَانًا وَ  
 عِقَابًا، وَأَبْرَتِ الْعُتَاةَ وَحَجَدَةَ الْحَقِّ وَقَطَعْتَ  
 دَابِرَ الْمُتَكَبِّرِينَ وَاجْتَسَنْتَ أَصُولَ الظَّالِمِينَ وَنَحْنُ  
 نَقُولُ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، اللَّهُمَّ أَنْتَ كَشَفْتَ  
 الْكُرْبَ وَالْبَلْوَى، وَإِلَيْكَ أَسْتَعْدِي فَعِنْدَكَ  
 الْمَعْدْوَى، وَأَنْتَ رَبُّ الْأَخِرَةِ وَالْأُولَى، فَاغِثْ  
 يَاغِيَاثَ الْمُسْتَغِيثِينَ عُبَيْدَكَ الْمُبْتَلَى، وَارِهِ سَيِّدَهُ  
 يَا شَدِيدَ الْقُوَى، وَأَزِلْ عَنْهُ بِهِ الْأَسَى وَالْجَوَى، وَ  
 بَرِّدْ غَلِيلَهُ يَا مَنْ عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوَى، وَمَنْ إِلَيْهِ  
 الرَّجْعَى وَالْمُنْتَهَى، اللَّهُمَّ نَحْنُ عَبِيدُكَ الثَّائِقُونَ  
 إِلَى وَليِّكَ، الْمُدْكِرِيكَ وَبِتَيْبِكَ خَلَقْتَهُ  
 لِنَاعِضَمَةٍ وَمَلَاذًا، وَأَقَمْتَهُ لَنَا قِيَامًا وَمَعَاذًا وَ  
 جَمَلْتَهُ لِلْمُؤْمِنِينَ مِنَّا إِمَامًا، فَبَلِّغْهُ مِنَّا تَحِيَّةً وَ  
 سَلَامًا...»<sup>۱</sup>

«ای پسر پیامبر (ص)، آیا به سوی تورا ملاقاتی هست؟  
 آیا امروز ما به فردائی می رسد که بیدار جمالت محظوظ  
 شویم؟ کی شود که بر جویبارهای رحمت درآئیم و  
 سیراب شویم؟ کی شود که از چشمه آب زلال (ظهور) تو  
 ما (تشنگان جرعه وصال) بهره مند گردیم که عطش ما  
 به درازا کشیده است؟ کی شود که با تو صبح و شام کنیم  
 تا چشمانمان را بیدارت روشن و منور گردانی؟ کی شود  
 که تو ما را و ما ترا ببینیم هنگامی که پرچم نصرت و  
 پیروزی در عالم برافراشته ای؟ آیا خواهی دید که ما بگردت  
 حلقه زده و مردم را رهبری می کنی در حالیکه زمین را پر از  
 عدل و داد کرده ای و دشمنانت را کیفر خواری و عقاب  
 چشانده ای و سرکشان و کافران و منکران خدا را نابود  
 کرده و ریشه متکبران عالم و ستمکاران جهان را از بیخ  
 کنده ای و ما پروردگار جهانیان را حمد و ستایش  
 می کنیم. بار پروردگارا توئی بر طرف کننده همه سختی ها  
 و غمها و از درگاهت یاری می طلبم که یاری کننده توئی،  
 و تو خدای دنیا و آخرتی پس بداد ما برس ای فریادرس  
 فریادخواهان و بندگان ضعیف و گرفتارت، وای خدای  
 مقتدر و توانا، سید و آقای بنده ضعیف و ناتوانت را برای او  
 ظاهر گردان و از این راه اندوه و سوز دل را از او برکنار  
 کن، و آتش و حرارت قلبش را فرو نشان ای خدائی که بر  
 عرش استقرار داری و بازگشت همه بسوی تست. بارالها ما  
 بندگان حقیرت بی صبرانه مشتاق ظهور و دیدار ولی توایم  
 که یادآور تو و رسول تو است او را برای عصمت و  
 نگاهداری و پناه دین و ایمان ما آفریدی و او را  
 برانگیخته ای تا قوام و حافظ و پناه خلق باشد و او را برای

اهل ایمان از ما بندگانت امام و پیشوا قرار دادی پس درود  
و تحیت ما را به او برسان...»

و گاه احساس درد در دل اهل ایمان انفجاری پدیدار  
می‌سازد که چشمه‌هایی از شعر حماسی و انقلابی از درونش  
بیرون می‌ریزد که قطرات شوق و اندوه بی‌شمار ایجاد  
می‌نماید؛ شوق ظهور دولت عدل و امنیت که خدا در آن  
حکومت، از ستمگران زمین و طاغوت‌های تاریخ انتقام می‌گیرد و  
بر مستضعفان و محرومان و مؤمنان منت می‌نهد و اینک یکی  
از آن حماسه‌سرایانست که این چنین می‌سراید:

«ای صاحب زمان، ما را در یاب که نه چشمه آب گوارائی  
داریم و نه زندگی آرام.

شبهای انتظار ما بدراز کشیدند ای فرزند پاکان آیا شب  
انتظار هم فردائی دارد؟

با دیدار خودت به چشمان ما سرمه روشنی بکش که  
نزدیک است که از تاریکی غیبت چشم انسانیت نابینا  
شود.

این مائیم که آماج تیر مصیبت‌ها قرار گرفته‌ایم آیا شکیبائی  
که خود زرهی آهنین است سودی دارد؟

چه بسا ستمگران علیه شما گرد هم آیند و جمع شما  
بدست دشمنانتان از هم پاشیده می‌شود.

پس قیام کن ای که بازماندگان فدایت گردند  
بازماندگانی که صبر و شکیبائی آنان به پایان رسیده و

مصیبتها آنان را از پای درآورده اند.»<sup>۱</sup>

و این دیگری به امام مهدی علیه السلام استغاثه می کند و چنین مصرانه از او می خواهد تا بنام عدالت و دین و انسانیت ظهور کند چه، براو سخت گران است که گروهی از شراب خواران و لاابالیان، آزادی و شرف زبردستان خود را می ستانند تا بر سرنوشت ملتها حکومت کنند:

ای ولی عصر، آیا راضی هستی که زیر سنگ مصائب له شویم و برسرمان دورزند؟

عدالت رخت بر بسته و ستون هدایت و یران و ستم بردین چیره و مسلط شده است.

خدا یار و یاور تو باد این رعیت را دریاب که پهنه های دشت و بیابان براوتنگ شده اند.

اینست دل رعیت، دلهای مردمان که شوق انتظار آنرا آب نموده است.

کی شمشیرها از غلاف بیرون آیند و چه زمانی نیزه ها بکار افتند و جنگ زبانه کشد؟<sup>۲</sup>

از سوی دیگر، آدمی بخاطر طغیان و انحرافی که در جامعه حکمفرما است اظهار دلتنگی و ناراحتی می کند و بعلت نبودن یک زندگی توأم با سعادت و امنیت، جویای علت

۱. از سید رضا هندی.

۲. از سید صالح حلی.

بتأخیر افتادن ظهور حضرتش می باشد که چرا تا کنون ظهور  
نموده است؟

آیا این همه گرفتاری و درد و رنج که بر انسانیت در  
طول تاریخ رفته است بس نیست؟

آیا زمان آن فرا نرسیده است تا به گرفتاریهای این  
انسان محروم پایان داده شود؟

در اینجا سعی ما براینست که به این پرسشهای  
شگفت آور که از وجدان و درون انسان سرچشمه می گیرند و  
در نتیجه دردهائی که می کشد بزبان می آورد؛ پاسخ دهیم.



## (۱)

خداوند بزرگ، هستی را بدین خاطر آفرید تا صحنه گرفتاری برای آزمایش انسان از راه بالا گرفتن مبارزه میان نیک و بد (خیر و شر) و حق و باطل گردد. این گفتار خدایتعالی است که می فرماید:

«تَبَارَكَ الَّذِي بِيَدِهِ الْمُلْكُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ الَّذِي خَلَقَ الْمَوْتَ وَالْحَيَاةَ لِيَبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا»<sup>۱</sup>

«بزرگوار خدائیکه سلطنت ملک هستی بدست قدرت اوست و بر همه چیز توانا است، خدائیکه مرگ و زندگانی را آفرید تا شما بندگان را بیازماید تا کدام نیکوکارتر است و او مقتدر و آمرزنده گناهان بندگان است.»

«إِنَّا خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ نُطْفَةٍ أَمْشَاجٍ نَبْتَلِيهِ فَجَعَلْنَاهُ سَمِيعًا بَصِيرًا، إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ، إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا.»<sup>۲</sup>

«بدرستیکه ما انسان را از آب نطفه مختلط آفریدیم تا او را بیازمائیم پس او را شنوا و بینا گردانیدیم بدرستیکه ما او را براه راست هدایت کردیم (راه حق و باطل را به او نشان دادیم) حال خواه هدایت پذیرد و شکر این نعمت گوید و خواه کفران نعمت کند.»

۱. قرآن کریم، سوره الملک، آیه های ۱ و ۲.

۲. قرآن کریم، سوره دهر، آیات ۳ و ۲.



«... وَنَبَلُوكُمْ بِالشَّرِّ وَالْخَيْرِ فِتْنَةً وَإِلَيْنَا تُرْجَعُونَ.»<sup>۱</sup>

«ما شما را به بد و نیک (شر و خیر) مبتلا کردیم تا بیازمائیم و بازگشت شما بسوی ما است.»

و تا زمانی که هستی و حیات، سرای گرفتاری و آزمایش و میدان مبارزه و پیکار است؛ خدا به انسان آزادی کامل داده تا جبهه مبارزه خود را در عرصه زندگی برگزیند. و نقش ادیان آسمانی منحصرأ در توجیه انسان و راهنمایی وی به حقیقت دو جبهه پهناور زندگی (حق و باطل) و دعوت انسان به پیوستن به جبهه حق و روبروئی با نغمه های باطل و سردمداران شر خلاصه میشود.

آسیاب مبارزه خطیر میان عوامل خیر و شر زندگی انسان از آغاز تا کنون همچنان در حال چرخش است و عناصر هر نسلی را به هنگام گذر از آن، تفکیک و مسیرهای افراد، را مشخص و طرفداران حق از باطل را تمیز داده و از هم جدا می سازد.

و خدایتعالی اراده فرموده است تا مبارزه همیشگی و همراه انسان در زندگی او باشد:

«لِيَمِيزَ اللَّهُ الْخَبِيثَ مِنَ الطَّيِّبِ»<sup>۲</sup>

«تا خداوند پاک را از ناپاک جدا سازد.»

۱. قرآن کریم، سوره انبیاء، آیه ۳۵.

۲. قرآن کریم، سوره انفال، آیه ۳۷.

«... فَلْيَعْلَمَنَّ اللَّهُ الَّذِينَ صَدَقُوا وَلْيَعْلَمَنَّ  
الْكَاذِبِينَ»<sup>۱</sup>

«پس خداوند دروغگویان را از راستگویان کاملاً مشخص  
کند و مقام منافق و مؤمن را از هم جدا سازد.»

این مبارزه همیشگی پرده از سقوط اکثریت نزدیک  
به اتفاق مردم در منجلاب باطل و لغزشگاههای شر و پایداری  
اقلیتی از مردم با ایمان بمنظور انجام کارهای خوب و  
خیرخواهانه و پافشاری روی حق و حقیقت برداشت.

از اینرو غالباً پیروزی در بیشتر اوقات و اکثر موارد  
تاریخ، یارو هم پیمان جبهه باطل و دار و دسته اش را بوده است.  
اما خداوند باطل را وعده شکستی سخت داد تا انتقام حق و  
پیروانش را از باطل و تفاله های آن در یک مبارزه  
سرنوشت ساز بستاند و اثری از باطل نگذارد.

آیا این درست است که زمان آن مبارزه (سرنوشت  
ساز) در طول زندگی و در نیمه راه آن قرار گیرد؟

خیر! در این صورت مبارزه پایان می گیرد و فرصت  
ابتلاء و آزمون از دست خواهد رفت ولی چنانچه ستم و کفر از  
جهان رخت بر بندد و خورشید هدایت و حقیقت پرتوافکن شود  
آنوقت است که ظالم شکست خورده جائی برای خود در این  
کره خاکی که پر از عدل و داد خواهد شد؛ نمی یابد.

پس لازم است زمان آن مبارزه (سرنوشت ساز) به

۱. قرآن کریم، سوره عنکبوت، آیه ۲.

اواخر دوران زندگی بشریت و واپسین ایام عمر دنیا و در آستانه روز رستاخیز و فرا رسیدن قیامت بتعویق افتد. از اینرو اراده حق تعالی بر این شد که امام مهدی را برگزیند تا رهبر آن مبارزه و قهرمان آن واپسین مبارزه حق و باطل باشد.

لذا تأکید بیشتر احادیث اسلامی راجع به ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه بر این نکته است که وی ظهور نمی کند مگر در آخر الزمان... و در واپسین روز عمر دنیا... و پیش از روز رستاخیز... که بفرموده پیامبر صلی الله علیه وآله:

«أَبَشِّرُوا بِالْمَهْدِيِّ فَإِنَّهُ يَأْتِي فِي آخِرِ الزَّمَانِ عَلِيَّ شِدَّةٍ وَزَلْزَالٍ يَسَعُ اللَّهُ لَهُ الْأَرْضَ عَدْلًا وَقِنْطًا.»<sup>۱</sup>

«شما را به مهدی مژده می دهم... او در آخر الزمان بهنگامی که همه جا را سختی و بی ثباتی فرا گرفته است ظهور می کند و خداوند پهنه کره خاکی را برای او پُر از عدل و داد خواهد کرد.»

«لَوْلَمْ يَبْقَ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا يَوْمٌ وَاحِدٌ لَطَوَّلَ اللَّهُ ذَلِكَ الْيَوْمَ حَتَّى يَمْلِكَ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي...»<sup>۲</sup>

«اگر از عمر دنیا یکروز مانده باشد خداوند آن روز را آنقدر طولانی خواهد کرد تا مردی از اهل بیت من زمامدار آن شود...»

۱. امام مهدی، علی محمّد علی دُخیل، صفحه ۱۰۴.

۲. مدرک سابق، صفحه ۶۹.

«لَا تَقُومُ السَّاعَةُ حَتَّى يَمْلِكَ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي  
يَمْلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا كَمَا مَلِئْتُ قَبْلَهُ جَوْرًا.»<sup>۱</sup>

«روز رستاخیز فرا نخواهد رسید مگر اینکه مردی از اهل  
بیت من زمین را پُر از عدل نماید همانگونه که قبلاً پُر از  
ظلم و ستم شده است.»



## (۲)

مشکل عمده تاریخ بشریت ایجاد سیستم برتر زندگی اجتماعی است. چه در گذشته، آدمی بلحاظ برخورد منافع و تضاد حقوق و از بین رفتن مرزهای موجود در میان افراد جامعه بشری از تجاوز برخی افراد جامعه بر دیگر افراد آن رنج می برد. اما آیا انسان قادر است این سیستم برتر را برای زندگی خود فراهم کند که ضمن اینکه در برگیرنده حقوق همه افراد باشد از منافع آنان نیز حمایت کند و مرز یکایک این افراد را جداگانه ترسیم و مشخص نماید؟

انسان با آن همه تجربه های تاریخی اش بدلیل محدود بودن میزان دانش و نیز خودخواهی و شهوت و اختلاف اندیشه و میزان فرهنگ او، ناتوانی خود را در فراهم آوردن این نظام برتر زندگی اجتماعی بثبوت رسانده است. لیکن خداوند، آدمی را یگه و تنها در وادی گمراهی و برهوت نادانی رها نکرده است؛ بلکه خود عهده دار این مسئولیت مهم گردید و آدمی را از بار مسئولیت سنگین دور نگه داشت و از برای او نظامی وضع و تشریح نمود که به شیوه ای نیکوتر و پسندیده تر، ضامن خوشبختی و گره گشای همه مسائل و مشکلات او باشد.

لیکن انسان شیفته و گمراه خودبینی، و فریفته طمع و شهوت، زیر بار این رسالت الهی و دین آسمانی نرفت، و بتکاپو در همه جا و همه سوپرداخت و به انگیزه این خودبینی و شهوت در پی آن بود که راه حل دیگری برای خود بیابد که

خویشتن را از رسالت الهی بی نیاز کرده و خوشبختی را بگونه ای بهتر و برتر تأمین نماید.

انسان، علیرغم رنج ها و بدبختی هائی که بدنبال تجربه های سخت به او روی کرده و ناتوانی هائی که پستی آمد کوشش های نافرجامش بوده؛ همچنان در کجروی و سرکشی خویش پافشاری و به غرور و خود کامگی اش ادامه می دهد با این گمان که می تواند به سیستم زندگی نوین و اجتماعی اش دست یابد؛ سیستمی که جدا و بدور از رهنمودهای الهی و آسمانی باشد.

از این رو ضروری می نماید که خداوند فرصتی کامل به انسان عنایت فرماید تا همه کوششهایش را در این زمینه آزموده و همه آرمانها و پندارهایش را در این باره به اجرا درآورد. اما بالاخره انسان بجائی می رسد که در برابر راهی بن بست قرار گرفته و با از دست دادن امید خود، ناتوانی و شکست خویش را باور می کند. در چنین هنگامی است که زمینه بطور جدی برای پیدایش آئین اسلام و پیاده کردن احکام الهی فرا می رسد که انجام این امر بدست امام عصر علیه السلام خواهد بود.

از اینرو طبیعی است که ظهور امام مهدی علیه السلام بعقب افتد تا همه طرح ها، ایدئولوژی ها، سیستم ها و قوانینی که انسان در مغز خویش می پرورد عرضه شده بمعرض آزمون و ارزیابی گذارده شود و:

«... حَتَّىٰ إِذَا ضَاقَتْ عَلَيْهِمُ الْأَرْضُ بِمَا رَحَّبَتْ،

وَضَاقَتْ عَلَيْهِمْ أَنفُسُهُمْ، وَظَنُّوا أَنْ لَا مَلْجَأَ مِنَ  
اللَّهِ إِلَّا إِلَيْهِ...»<sup>۱</sup>

«تا آنکه زمین به همه فراخیش بر آنان تنگ شد و از خود  
نیز دلتنگ شدند و دانستند که از خشم خدا جز بلفظ او  
پناهگاهی نیست.»

آنوقت است که امام عصر علیه السلام ظهور می کند تا  
با پیاده کردن احکام الهی و رهنمودهای پیامبرش صلی الله  
علیه و آله و سلم بشریت را خوشبخت و کامروا سازد.  
اشاره امام صادق علیه السلام به این مسأله است آنجا  
که میفرماید:

«مَا يَكُونُ هَذَا الْأَمْرُ - يَعْنِي ذَوْلَةَ الْمَهْدِيِّ -  
حَتَّى لَا يَبْقَى صِنْفٌ مِنَ النَّاسِ إِلَّا وَقَدُؤُلُوا مِنَ  
النَّاسِ، حَتَّى لَا يَقُولَ قَائِلٌ: إِنَّا لَوُؤِلْنَا لَعَدْلَنَا،  
ثُمَّ يَقُومُ الْقَائِمُ بِالْحَقِّ وَالْعَدْلِ.»<sup>۲</sup>

«این امر صورت نمی گیرد - منظور دولت حضرت  
مهدی (ع) - مگر اینکه همه مردم از هر گروه و طبقه ای که  
هستند به حکومت و فرمانروائی برسند تا دیگر کسی یافت  
نشود که بگوید: اگر حکومت از آن ما بود با مردم به عدل  
و انصاف رفتار می کردیم. سپس قائم برحق و عدل قیام  
خواهد کرد.»

۱. قرآن کریم، سوره توبه، آیه ۱۱۸.

۲. تاریخ الغیبة الكبرى، صفحه ۳۸۹.

و نیز به فرموده آنحضرت:

«إِنَّ دَوْلَتَنَا آخِرُ الدُّوَلِ، وَلَمْ يَبْقَ أَهْلٌ بَنِي لَهْمٍ  
دَوْلَةٌ إِلَّا مُلِكُوا قَبْلَنَا، لَيْتَلَا يَقُولُوا إِذَا رَأَوْا سِرَّتَنَا،  
لَوْ مُلِكْنَا سِرَّتَنَا مِثْلَ سِرَّةِ هُوَلَاءَ.»<sup>۱</sup>

«حکومت ما آخرین حکومتها خواهد بود و صاحب هیچ  
اهل و طایفه ای یافت نخواهد شد مگر اینکه پیش از ما  
حکومت کنند؛ تا مبادا زمانیکه رفتار و طرز حکومت و  
فرمانروایی ما را دیدند اظهار نمایند: اگر ما به حکومت  
می رسیدیم همین رفتار را در پیش می گرفتیم.»

• • •



(۳)

چه امر مهمتی است که ظهور امام مهدی علیه السلام را انتظار می کشد؟ مسلماً مأموریتی است بس خطیر که تاریخ بشریت با همه فراخیش تاب بازگوئی، درک و یا فرصت و توان بررسی و تحقیق آنرا ندارد.

آن امر مهم و مأموریتی که در انتظار مهدی موعود است همانا برپائی یک حکومت جهانی و عالمگیر است که تمامی ملل و جوامع بشری را زیر لوای یک رهبر و یک نظام حکومتی منحصر بفرد که همان نظام حکومت اسلامی است دربرگیرد.

درباره جهانی بودن دولت مهدی علیه السلام، امام صادق(ع) چنین می فرماید:

«إِذَا قَامَ الْقَائِمُ الْمَهْدِيُّ لَا تَبْقَى أَرْضٌ إِلَّا تُودَى فِيهَا بِشَهَادَةِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ.»<sup>۱</sup>

«چون مهدی قائم قیام کند سرزمینی یافت نخواهد شد مگر اینکه بانگ لا اله الا الله و محمد رسول الله در آن طنین افکن باشد.»

و نیز از حضرت امام محمد باقر نقل شده است که:

«الْمَهْدِيُّ وَأَصْحَابُهُ يُمَلِكُهُمُ اللَّهُ مُشَارِقِ الْأَرْضِ»

وَمَغَارِبِهَا، وَيُظْهِرُ الدِّينَ وَيُمِيتُ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ بِهِ وَ  
بِأَضْحَابِهِ الْبِدْعِ وَالْبَاطِلِ، كَمَا آمَاتِ السَّفَهَةِ  
الْحَقُّ حَتَّى لَا يُرَى أَثْرُ مِنَ الظُّلْمِ.»<sup>۱</sup>

«خدای عزوجل خاور و باختر زمین را از آن مهدی و یارانش می کند، دین خود را حاکم می نماید و بدست آنحضرت هرگونه بدعت و باطلی را بگونه ای نابود می کند، که سبکسران و بی خردان حق را، تا دیگر اثری از ستم و ظلم دیده نشود.»

به پاره ای از احادیث برخورد کردیم که بثبوت میرساند که آنحضرت سراسر زمین را مملو از قسط و عدل می کند. اما چگونه قانندی به تنهایی عهده دار مسئولیت پاسداری و رهبری همه ممالک، اقوام، جوامع بشری جهان تواند بود؟ آیا تنها یک دولت توانایی آنرا دارد که همه نیازها و خواسته های تمامی سکنه عالم را تأمین کند؟ و چگونه میتوان آئین مشترکی را در جهانی با ملیت ها، رسوم و مشکلات گوناگون پیاده کرد؟ درست است که مسخر کردن عالم و در اختیار گرفتن آن کار را تا حدی آسان می کند؛ لیکن در راه تحقق آن خوشبختی و آینده دلخواه بیک سری از مشکلات و موانع طبیعی بر می خوریم که باید آنرا در اندیشه خود بحساب آورد... از آنجمله است اختلاف زبانها، دوری فاصله ها و راهها، کثرت نیازها و خواسته های زندگی، مشکل برقراری

تماس همگان با یک رهبر و پیچیدگی مسائل زندگی و... که شاید بعضی افراد مسئولیت آنها بگردن اعجاز نهند؛ چه امام از طرف خدا نیرو و مدد می گیرد و قادر است تا با یاری و مدد الهی و بکمک معجزه، گره گشای این همه مشکلات باشد که در آنصورت حکومتی خواهد بود که غیب و معجزه آنها اداره خواهد کرد گرچه غیب جز از راه سنتها و قوانین طبیعی آنها در چند مورد استثنائی و موقت در امور زندگی دخالت نمی کند. و در چنین حالتی است که مداخله مستقیم انجام می گیرد و معجزه روی خواهد داد. یا اینکه معجزه حکم قانونی حاکم بر همه جهان را داشته باشد و این برخلاف مشیت و اراده خداوندی است که تغییرناپذیر و غیرقابل تبدیل می باشد.

بنابراین باید معتقد شویم که حکومت جهانی مهدی بطور طبیعی اداره خواهد شد و نه از راه معجزه بوسیله حضرت مهدی علیه السلام. و اگر چنین باشد باید تمام امکانات لازم برای یک حکومت فراهم باشد تا بتوان جهان را اداره کند.

همه متون اسلامی که در دست است جملگی در اختیار بودن این وسائل و امکانات را در زمان حضرت مهدی علیه السلام تأیید می کند و در آن حالت تمام سختیها بدست حضرتش آسان گشته و تمام منابع طبیعی جهان کشف و در دسترس قرار خواهد گرفت. فاصله ها کوتاه خواهد شد، مشکل حمل و نقل حل می گردد، برقراری تماس با حضرتش و یا با هر مسئول دیگری در حکومت او بدلیل فراهم بودن تمامی این وسائل آسان و ممکن خواهد بود.

حضرت امام موسی بن جعفر علیه السلام می فرمایند:

«الثَّانِي عَشْرَةَ مِثًا، يُسَهِّلُ اللَّهُ تَعَالَى لَهُ كُلَّ عُسْرٍ، وَ  
يُذَلِّلُ كُلَّ صَعْبٍ، وَيُظْهِرُ لَهُ كُنُوزَ الْأَرْضِ، وَيُقَرِّبُ  
عَلَيْهِ كُلَّ بَعِيدٍ.»<sup>۱</sup>

«خداوند متعال تمامی مشکلات را بر امام دوازدهم آسان خواهد گردانید و سختیها و موانع را از پیش پای او برخواهد داشت و گنجینه های جهان را در اختیار او قرار خواهد داد و مسافت و فاصله را برای او کوتاه خواهد کرد.»

از حضرت امام حسن مجتبی علیه السلام بنقل از پدر  
بزرگوارشان سلام الله علیه آمده است که:

«يَبْعَثُ اللَّهُ رَجُلًا فِي آخِرِ الزَّمَانِ، وَكَلَبَ مِنَ  
الدَّهْرِ، وَجَهْلٍ مِنَ النَّاسِ، يُؤْتِدُهُ اللَّهُ بِمَلَائِكِهِ وَ  
يَغْصِمُ أَنْصَارَهُ، وَيَنْصُرُهُ بِآيَاتِهِ، وَيُظْهِرُهُ عَلَى  
أَهْلِ الْأَرْضِ حَتَّى يَدِينُوا طَوْعًا أَوْ كَرْهًا، يَمْلَأُ  
الْأَرْضَ عَدْلًا وَفِئْطًا وَنُورًا وَبُرْهَانًا، يَدِينُ لَهُ  
عَرَضُ الْبِلَادِ وَطَوْلُهَا، لَا يَبْقَى كَافِرٌ إِلَّا آمَنَ، وَلَا  
طَالِحٌ إِلَّا صَلَحَ، وَتَضَطَّلِحُ فِي مُلْكِهِ الشَّبَاعُ، وَ  
تُخْرِجُ الْأَرْضُ نَبْتَهَا، وَتُنزِلُ السَّمَاءُ بَرَكَاتَهَا، وَتُظْهِرُ  
لَهُ الْكُنُوزَ.»<sup>۲</sup>

«خداوند در آخر الزمان به آن هنگام که روزگار سخت پر

۱. منتخب الاثر، صفحه ۲۳۹.

۲. منتخب الاثر، صفحه ۴۸۷.

فشار، و مردم به نادانی در غلظتند؛ مردی را برخواهد انگیخت و او را به فرشتگان خویش تأیید نماید و یاورانش را حفظ نموده و به آیات خویش پیروزش گرداند و بر ساکنان زمین نمایان و ظاهرش سازد تا اینکه از روی میل و یا اکراه (طوعاً و کرهاً) سر بفرمانش نهند و آنگاه زمین را سراسر پر از داد و برابری و مهر و روشنائی نماید و همه بلاد عالم را از مشرق تا مغرب و از شمال تا جنوب به او سپارد. کافری نماند مگر اینکه ایمان آرد و ناشایستی باقی نماند مگر اینکه شایسته و نکو گردد. درنده‌خوها و ددان در فرمانروائی او رام گردند، و زمین و آسمان برکت خود فرود آورد و گنجها بر او آشکار شود.»

و از امام رضا علیه السلام منقول است که:

«هُوَ الَّذِي سَتَّطَوِي لَهٗ الْأَرْضُ.»<sup>۱</sup>

«اوست که زمین از برای او درنور دیده خواهد شد.»

و بفرموده امام صادق علیه السلام:

«إِنَّ قَائِمًا إِذَا قَامَ مَدَّ اللَّهُ لِشِبَعَتِنَا فِي أَسْمَاعِهِمْ وَ أَبْصَارِهِمْ. حَتَّى لَا يَكُونَ بَيْنَهُمْ وَ بَيْنَ الْقَائِمِ بَرِيدٌ، يُكَلِّمُهُمْ فَيَسْمَعُونَ وَ يَنْظُرُونَ إِلَيْهِ وَ هُوَ فِي مَكَانِهِ.»<sup>۲</sup>

«چون قائم ما قیام کند خداوند بر قدرت شنوائی و بصیرت

۱. منتخب الاثر، صفحه ۲۲۰.

۲. منتخب الاثر، صفحه ۴۸۳.

شیعیان ما خواهد افزود تا از آن پس با قائم فاصله ای نداشته باشند، با آنان سخن می گوید سخنانش را می شنوند و از همان جایی که قرار دارد به آنان نگاه می کند.»

و نیز می فرماید:

«إِنَّ الْمُؤْمِنَ فِي زَمَانِ الْقَائِمِ وَهُوَ بِالْمَشْرِقِ يَرَى  
أَخَاهُ الَّذِي فِي الْمَغْرِبِ، وَكَذَا الَّذِي فِي  
الْمَغْرِبِ يَرَى أَخَاهُ الَّذِي بِالْمَشْرِقِ.»<sup>۱</sup>

«مؤمن در زمان قائم از مشرق زمین برادر خود را که در مغرب است می بیند و نیز آنکه در مغرب زمین است برادرش را در مشرق می بیند.»

این شرایط برای موفقیت مأموریت امام مهدی مساعد است در صورتیکه پشتوانه اش براساس معجزه نباشد و بگونه ای طبیعی تحقق یابد. قطعاً در سایه کارآئی و پیشرفت های بشر که به آدمی این امکان را می دهد تا همه وسائل و امکانات یاد شده را تهیه نماید؛ فراهم خواهد شد.

ما امروز شاهد برخی از آن وسائلیم که بعضی احادیث بدان اشاره کرده اند مانند کوتاه شدن راهها که از آن با: «فاصله ها برای او کوتاه می شود و یا اینکه زمین برایش درمی نوردد.» یاد شده است. همچنین مسأله ارتباط که

امروزه کاری دشوار نیست و در سایه پیشرفتهای شگرف دانش، یک رهبر قادر است گفتارش را بگوش افراد خود در سراسر جهان برساند؛ به نحوی که عادت برآن شده است که اهل مشرق صدای اهل مغرب و بالعکس ساکنان مغرب زمین صدای ساکنان مشرق زمین را می شنوند و شاید اختراعات و اکتشافات دیگری باشد که عقل و دانش آدمی در آینده به آنها دست یابد تا برای حکومت واحد امام که رهبری همه جهان را بعهده دارد یاور و پشتیبان باشد. از اینرو ما حق داریم که این احتمال را بدهیم که یکی از انگیزه‌های بعقب افتادن ظهور امام مهدی علیه السلام همانا انتظار بخاطر فراهم آمدن موقعیت‌های مناسب مادی، ماشینی و اجتماعی است تا بدانوسیله امام بتواند مأموریت و نقش خطیر خود را به مدد پیشرفت‌های دانش نوین و دست‌آوردهای عظیم انسانی به بهترین وجه ایفا کند.

بخش چهارم:  
درانتظار



ما هم اکنون در زمان غیبت امام عجل الله تعالی فرجه  
بسر می بریم و به مقتضای حکمت خدایتعالی حضرت  
ولتی عصر علیه السلام از ما پنهان و ظهورش بعقب افتاده است.  
آیا معنی غیبت امام، آشتی حق و باطل و پایان نبرد و  
اعلام آتش بس میان آندو در میدان کارزار است؟  
آیا باطل بفعالیّت خود پایان داده و حق از نقش  
خویش در این مرحله طولانی کناره گیری کرده است یا اینکه  
مبارزه میان دو جبهه حق و باطل همچنان ادامه دارد؟  
هیچکس نمی تواند مدعی ترک جنگ باشد، چه  
باطل همچنان بتجاوزات خود ادامه داده و دامنه فعالیتش را  
گسترش و وسائل و آلات و ابزار و شیوه های خود را بازسازی  
می نماید.

آیا رواست که حق بی تفاوت و بی حرکت در مقابل

آن باطل بایستد و شاهد نابودی مواضع و متلاشی شدن نیرو و توان خویشتن باشد؟

از آنجا که کشمکش حق و باطل بوسیله رهروان و پیروان آن دو صورت می گیرد، پس لازم است پرسش خود را به این گونه مطرح کنیم:

آیا پیروان باطل از یاری باطل خویش و توسعه و گسترش قلمرو و نفوذ آن باز ایستاده اند یا اینکه پیوسته سرگرم رویارویی با حق و جبهه گیری در مقابل آن و جلوه دادن باطل در همه زمینه ها و تمامی سطوح می باشند؟

هرگاه اهل باطل کمر به خدمت باطل خود ببندند و در این راه کوشا و فعال باشند آیا درست است که اهل حق اعلام آتش بس کنند و یکجانبه به مبارزه پایان دهند و پذیرای سرنیزه های باطل و ضربه های آن گردند و در مقابل تجاوزهای آن تا ظهور امام منتظر سکوت اختیار کنند؟

چنین چیزی هرگز نمی تواند معنی انتظار و یا وظیفه مؤمنان در زمان غیبت باشد!

احکام اسلام که دعوت بسوی خدا و امر به معروف و نهی از منکر می کند و مردم را به راه راست رهنمون و از آنان می خواهد تا سفارشگر حق و بردباری بیکدیگر باشند احکامی است کلی، فراگیر و دربرگیرنده همه زمانها، و همه نسلها را ملزم به پیروی از این احکام می کند و مفهوم غیبت امام مهدی علیه السلام نسخ این اصول و یا بی اثر کردن کاربرد آن نیست.

## بگفته علامه مظفر:

آنچه در این باره در خور گفتن و یادآور است آنستکه منتظر ماندن بخاطر این مصلح نجات بخش مهدی علیه السلام بدان معنی نیست که مسلمانان نسبت به حقایق دین خویش، و وظایفشان در یاری و جهاد در راه آن، و عمل به احکامش و امر بمعروف و نهی از منکر خاموش و بی تفاوت بمانند بلکه یک فرد مسلمان همواره ملزم به پیاده کردن همه احکام شرعی بوده و بایستی در شناخت صحیح آن با روش و شیوه‌های درست کوشا باشد و براوست که تا حد مقدور و آنچه در توان دارد امر بمعروف و نهی از منکر کند «كُلُّكُمْ رَاعٍ وَ كُلُّكُمْ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ» همگی شما نگاهبانانید و همگی نسبت به بندگان او مسئول. پس روانیست که در وظایف و مسئولیتهای خود بصرف اینکه منتظر ظهور مهدی علیه السلام این مصلح راهنما و نوید دهنده بشریت است درنگ و کوتاهی ورزد که این نه تکلیفی را ساقط می کند و نه کاری را به عقب می اندازد و نه مردم را چون ستوران، بی ارزش و مهمل می انگارد.»<sup>۱</sup>

پس در زمان غیبت امام زمان وظیفه ما که چشم براه

حضرتش هستیم چیست؟

۱ - از خویشتن باید افرادی مسلمان و بیدار بسازیم تا بتوانیم با بالا بردن آگاهی عقیدتی و پای بند بودن به اخلاق نیکو و

۱. شیخ محمدرضا المظفر، عقائد الامامیه.

پسندیده اسلامی، جلوی تهدیدهای دشمنان را بگیریم:  
هرگاه توانستیم به قدرت تهدیدهای فکری و مادی  
معاصر و خطرهای ناشی از اغواگری‌ها و فریبکاری‌ها پی  
ببریم؛ میزان مسئولیت انسان مؤمن و میزان تعهد و پایبندیش را  
خواهیم دانست.

از اینرو روایات منقول از امامان معصوم علیهم السلام  
پای بند بودن انسان مؤمن به ایمان و معتقدات مذهبی خویش و  
پیکارش با تهدیدهای خصمانه زمان غیبت را، جهاد و  
مبارزه‌ای بزرگ که دست کمی از جهاد یاران پیامبر اکرم  
صلی الله علیه وآله ندارد؛ می‌داند.

از حضرت علی بن الحسین علیه السلام نقل شده است

که:

«مَنْ ثَبَّتَ عَلَيَّ مُوَالَاتِنَا فِي غَيْبَةِ قَائِمِنَا، أَعْطَاهُ  
اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ أَجْرَ أَلْفِ شَهِيدٍ مِنْ شُهَدَاءِ بَدْرٍ  
أُحْدٍ.»<sup>۱</sup>

«هر که در بیعت خود با ما در زمان غیبت قائمان ثابت  
قدم بماند خداوند عزوجل به وی پاداش هزار شهید از  
شهداء بدر و احد را عطا خواهد فرمود.»

از امام صادق علیه السلام منقول است که:

«ظُوبِي لِمَنْ تَمَسَّكَ بِأَمْرِنَا فِي غَيْبَةِ قَائِمِنَا»

فَلَمْ يَزِغْ قَلْبُهُ بَعْدَ الْهُدَايَةِ. <sup>۱</sup>

«خوشا بحال آنکه در زمان غیبت قائمان به ولایت ما  
متعهد بماند و پس از هدایت گمراه نگردد.»

پیشوایمان حضرت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه در  
پیامی که بوسیله شیخ مفید علیه الرحمه برای پیروان با ایمان  
خود فرستاد اهمیت پای بند بودن به اخلاق نیکو و پسندیده و  
عدم پیروی از هواهای نفسانی و شهوانی گمراه کننده را مورد  
تأکید قرار داده و به آنان فرمود:

«فَلْيَمَلْ كُلُّ امْرِيءٍ مِنْكُمْ بِمَا يُقَرِّبُهُ مِنْ  
مُحَبَّتِنَا وَيَتَجَنَّبُ مَا يُدْهِبُهُ مِنْ كَرَاهَتِنَا وَ  
سَخَطِنَا. <sup>۲</sup>

«هر یک شما کاری بکنید که شما را به مهر و محبت ما  
نزدیک کند و از کارهاییکه بیزاری و خشم ما را برانگیزد  
دوری کنید.»

هرگاه انسان مؤمن، رشد بیداری خود را تا سرحدی  
بالا برد که خود را با حضرتش مواجه بیند؛ و اخلاق و رفتارش  
را در این شرائط حساس در این سطح قرار دهد. آنگاه در سایه  
دانش، کمال و موقعیت والای خویش سرآمد و از همه  
نسل های باایمانی که در گذشته می زیستند برتر و والاتر  
خواهد بود.

۱. منتخب الاثر، صفحه ۵۱۴.

۲. تاریخ الغیبة الكبرى، صفحه ۴۲۷.

بفرموده امام زین العابدین علیه السلام:

«إِنَّ أَهْلَ زَمَانٍ غَيْبَتِهِ الْقَائِلِينَ بِإِمَامَتِهِ،  
وَالْمُنْتَظِرِينَ لِظُهُورِهِ، أَفْضَلُ مِنْ أَهْلِ كُلِّ زَمَانٍ،  
لِأَنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى أَعْطَاهُمْ مِنَ الْعُقُولِ وَ  
الْأَفْهَامِ وَالتَّمَرُّقَةِ، مَا صَارَتْ بِهِ الْغَيْبَةُ عِنْدَهُمْ  
بِمَنْزِلَةِ الْعِيَانِ، وَجَعَلَهُمْ فِي ذَلِكَ الزَّمَانِ  
بِمَنْزِلَةِ الْمُجَاهِدِينَ بَيْنَ يَدَيِ رَسُولِ اللَّهِ بِالسَّيْفِ،  
أُولَئِكَ الْمُخْلِصُونَ حَقًّا وَالدُّعَاةُ إِلَى دِينِ اللَّهِ بِرًّا وَ  
جَهْرًا.»<sup>۱</sup>

«همانا مردمانی که در زمان غیبت بر می برند و امامت  
حضرتش را قبول داشته و چشم براه ظهورش هستند بهتر از  
مردم هر زمان دیگرند چون خدای تبارک و تعالی آنانرا  
آنقدر عقل، فهم و ادراک عطا فرموده است که غیبت  
برایشان بمنزله دیدن است، و آنان را همردیف مجاهدینی  
که در کنار رسول خدا شمشیر می زدند قرار داده است  
بدرستی که آنان وفاداران واقعی اند و به دین خدا در نهان  
و آشکار دعوت کنند.»

۲- آماده کردن نفس و تربیت و تهذیب آن در راه فداکاری و  
ایشار و جهاد در راه خدا:

چه نقش آدمی ناگهان و در یک چشم بهم زدنی  
دگرگون و آماده جهاد و فداکاری نمی گردد بلکه قبلاً بایستی

۱. تاریخ الغیبة الكبرى، صفحه ۴۴۸.

خویشتن را آماده کند و تهذیب نماید تا بهنگام نیاز و آزمون پیروز و سرفراز گردد و گرنه هم خود را از دست خواهد داد و هم فرصت را؛ و در شمار هلاک شوندگان خواهد بود.

انسان با ایمانی که در زمان غیبت به انتظار ظهور امام و قیام آن قائد الهی بسر می برد باید خویشتن را برای استقبال از امام و ورود به جبهه آنحضرت و کار و فعالیت زیر لوای او آماده کند.

این برای انسان میسر نیست مگر اینکه از هم اکنون و پیش از فرا رسیدن ساعت موعود که در آن هنگام اختیار نفس و اراده خویش را از دست می‌دهد؛ آماده کند و از آنجائیکه زمان ظهور حضرت ولی عصر علیه السلام برای انسان نامشخص است پس همیشه و در همه احوال باید خود را آماده این امر کند و احتمال وقوع آنرا در هر لحظه بدهد.

از پیامبر اکرم (ص) پرسیده شد: ای پیامبر خدا، قائم خاندان تو کی ظهور می کند؟ فرمود:

«مَثَلُ مَثَلِ السَّاعَةِ لَا يُجَلِّئُهَا لِوَقْتِهَا إِلَّا اللَّهُ  
عَزَّوَجَلَّ، لَا تَأْتِيكُمْ إِلَّا بَغْتَةً.»<sup>۱</sup>

«مثل (ظهور) او همچون مسأله قیامت است که زمانش جز به اراده خدای عزوجل معین نمی شود و یکباره و بطور ناگهانی بر شما فرا می رسد.»

در حدیثی از امام صادق علیه السلام آمده است:

«عِنْدَهَا فَتَوَقُّعُوا الْفَرَجَ صَبَاحًا وَمَسَاءً.»<sup>۱</sup>  
 «در آن هنگام، صبح و شب چشم براه فرج باشید.»

و از حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه منقول است

که:

«إِنَّ أَمْرَنَا بَغْتَةً فَجَاءَتْ.»<sup>۲</sup>  
 «همانا ظهور ما ناگهانی است.»

اما بچه سان انسان با ایمان خود را بخاطر ظهور امام  
 موعود آماده فداکاری و جهاد می کند؟

الف - تغذیه و تهذیب نفس از طریق فرهنگ پویا و  
 بیانگر مذهبی چون قرآن، نهج البلاغه، احادیث و رهنمودهای  
 اهل بیت که آدمی را به ایثار و فداکاری وامیدارد و همه  
 احساسات انسان را در این راه، بسیج کرده و بکار می گیرد.  
 بعنوان مثال: ادعیه اسلامی که مجموعه ایست از  
 بهترین دعاها که مستحب است انسان با ایمان آنها را در  
 غیبت امامش مرتب بخواند و ورد زبانش قرار دهد؛ مانند:  
 دعای عهد، دعائی که عشق به فداکاری و از خود گذشتگی را  
 در انسان تقویت می کند لذا خواندن این دعا در هر بامداد



مستحب است. پس به اتفاق چکیده‌ای از این دعای عظیم را می‌خوانیم:

«اللَّهُمَّ بَلِّغْ مَوْلَانَا الْإِمَامَ الْهَادِيَ الْمَهْدِيَّ الْقَائِمَ  
بَأَمْرِكَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَعَلَى آبَائِهِ الطَّاهِرِينَ  
عَنْ جَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ فِي مَشَارِقِ الْأَرْضِ  
وَمَغَارِبِهَا سَهْلِهَا وَجَبَلِهَا وَبَرِّهَا وَبَحْرِهَا وَعَنِّي  
وَعَنْ وَالِدَيَّْ مِنَ الصَّلَوَاتِ زَنَةَ عَرْشِ اللَّهِ وَمِدادَ  
كَلِمَاتِهِ وَمَا أَحْصَاهُ عِلْمُهُ وَأَحَاطَ بِهِ كِتَابُهُ.  
اللَّهُمَّ إِنِّي أَجِدُ ذَلِكَ فِي صَبِيحَةِ يَوْمِي هَذَا وَ  
مَاعِشَتِي مِنْ آيَامِي عَهْدًا وَعَقْدًا وَبَيْعَةً لَهُ فِي  
عُنُقِي لِأَحْوَالِ عَنِّي وَلَا أَرُؤُ أَبَدًا. اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي  
مِنْ أَنْصَارِهِ وَأَعْوَانِهِ وَالذَّابِقِينَ عَنْهُ وَالْمُسَارِعِينَ إِلَيْهِ  
فِي قَضَاءِ حَوَائِجِهِ وَالْمُتَمَتِّلِينَ لِأَمْرِهِ وَالْمُحَامِلِينَ  
عَنْهُ وَالسَّابِقِينَ إِلَى إِرَادَتِهِ وَالْمُسْتَشْهَدِينَ بَيْنَ  
يَدَيْهِ. اللَّهُمَّ إِنَّ حَالَ بَيْتِي وَبَيْتِهِ الْمَوْتُ الَّذِي  
جَعَلْتَهُ عَلَى عِبَادِكَ حَتْمًا مَقْضِيًّا، فَأَخْرِجْنِي مِنْ  
قَبْرِي مُؤْتَرًّا كَفَنِي، شَاهِرًا سَبْقِي، مُجَرِّدًا قَنَاتِي،  
مُلَبِّيًا دَعْوَةَ الدَّاعِي فِي الْحَاضِرِ وَالْبَادِي، اللَّهُمَّ  
أَرِنِي الظَّلْعَةَ الرَّشِيدَةَ، وَالْفُرَّةَ الْحَمِيدَةَ، وَكَحَلَّ  
نَاطِرِي بِنَظَرَةٍ مِنِّي إِلَيْهِ، وَعَجِّلْ فَرَجَهُ وَسَهِّلْ  
مَخْرَجَهُ وَأَوْسِعْ مِنْهُجَهُ وَأَسْلُكْ بِي مَحَجَّتَهُ وَ  
أَنْفِذْ أَمْرَهُ وَأَشْدُدْ أَرْزُهُ.»

«پروردگارا تو بر مولای ما حضرت امام عصر، هادی امت و مهدی آل محمد(ص)، قیام کننده بفرمان تو که درود خدا بر او و بر پدران پاک گوهر او از تمام مرد و زن اهل ایمان که در مشرق و مغربهای زمین هستند و در صحرا و کوهها و خشکیها و دریاها و عالمند و از من و پدر و مادر من بر او درود و تحیتی فرست برابر عرش با عظمت خدائی و باندازه کلماتش و آنچه که علم خدا احصاء و کتاب آفرینش حق احاطه بر آن نموده است. پروردگارا در صبح همین روزم و تا روزیکه زنده ام با او تجدید می کنم عهد خود و عقد بیعت او را که بر گردن من است که هرگز از این عهد و بیعت برنگردم و تا ابد بر آن ثابت قدم باشم. خدایا مرا از انصار و یاران آن بزرگوار قرار ده و از آنان که از او دفاع می کنند و از پی انجام مقاصدش می شتابند و او امرش را امتثال و از وی حمایت کرده و از پیشکسوتان ارادتمند درگاهش و از شهیدانی که بفیض شهادت در رکابش نائل آمده اند؛ قرار بده. پروردگارا اگر مرگ که آنرا بر تمام بندگانت قضای حتمی قرار داده ای بین من و حضرتش جدائی افکند پس مرا در حالی که از گورم کفن برتن، و شمشیر از نیام برکشیده، و با نیزه ای برهنه و لبیک گویان دعوتش را که بر تمام مردم شهر و دیار لازم الاجابة است اجابت کنم؛ بیرون آر. بارالها بما آن طلعت زیبای رشید و آن ستوده روشن جبین را بنمای و چشمانم را بیک نظر بر او روشن کن و فرج آنحضرت را نزدیک و خروجش را آسان ساز و مسیر و طریق او را توسعه و فراخی عطا کن و مرا براه او کشان و فرمانش را نافذ و پشتش را قوی (سپاهش را فاتح) گردان.»

در دعای افتتاح نیز که خواندنش در همه شبهای ماه مبارک رمضان مستحب است؛ گوشه‌هایی است که وجدان انسان با ایمان را بیدار و او را بحقیقت دردناکی که همان زندگی در جامعه فاقد حکومت حق و عدالت (حکومت امام عصر علیه السلام) است آگاه می‌کند و همانگونه که در جملات ذیل روشن است سبب می‌شود تا عشق بفداکاری و ایثار در راه خدا، در آدمی زنده گردد:

«اللَّهُمَّ إِنَّا نَرْغِبُ إِلَيْكَ فِي دَوْلَةٍ كَرِيمَةٍ تُعَزِّبُهَا الْإِسْلَامَ  
وَأَهْلَهُ وَتُذِلُّ بِهَا النِّفَاقَ وَأَهْلَهُ وَتَجْعَلُنَا فِيهَا مِنْ  
الدُّعَاةِ إِلَى طَاعَتِكَ وَالْقَادَةِ إِلَى سَبِيلِكَ وَتَرْزُقُنَا  
بِهَا كَرَامَةَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ. اللَّهُمَّ مَا عَرَفْتَنَا مِنْ  
الْحَقِّ فَحَبِّلْنَاهُ وَمَا قَصْرْنَا عَنْهُ فَبَلِّغْنَاهُ. اللَّهُمَّ  
إِنَّا نَشْكُرُ إِلَيْكَ فَقَدْ نَبَّيْنَا صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ  
وَعَيْبَةَ وَلِيْنَا وَكَثْرَةَ عَدُوِّنَا وَقِلَّةَ عَدِدِنَا وَشِدَّةَ  
الْفِتَنِ بِنَا وَتَطَاهُرَ الزَّمَانِ عَلَيْنَا فَصَلِّ عَلَي  
مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَأَعِنَا عَلَى ذَلِكَ بِفَتْحٍ مِنْكَ تُعَجِّلُهُ وَ  
بِضُرِّ تَكْشِفُهُ وَنَصْرٍ تُعِزُّهُ وَسُلْطَانٍ حَقٍّ تُظْهِرُهُ وَ  
رَحْمَةٍ مِنْكَ تُجَلِّلُنَاهَا وَغَافِيَةٍ مِنْكَ تُلْبِسُنَاهَا  
بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.»<sup>۱</sup>

«خدایا، از تو امید داریم که دولت با کرامت آن امام  
زمان را بظهور رسانی و اسلام و مسلمانان را به آن عزت

۱. کتاب الدعاء والتزیارة، آیه الله سید محمد شیرازی دام ظلّه.

بخشی و نفاق و منافقین را خوار گردانی و ما را در آن دولت حقّه اهل دعوت به طاعتت و از پیشوایان راه هدایتت قراردهی و بواسطه آن بزرگوار (دولت جهانش) بما عزّت و کرامت دنیا و آخرت عطا فرمائی. پروردگارا آنچه از حق که بما شناساندی به عمل آن هم وادار کن و آنچه نشناخته ایم بما شناسان. بارالها، ما بدرگاه تو از نبودن پیامبران که درودهایت براو خاندانش باد، و غیبت ولیّ و امامان، و بسیاری دشمنانمان و کمی نفرتانمان و از فشار فتنه های سخت و غلبه و تظاهر زمانه علیه ما شکایت می بریم، پس بر محمد و خاندانش درود فرست و ما را در مقابل اینهمه ناتوانی با فتحی سریع از جانب خود و برطرف ساختن رنج و سختی، و نصرت با اقتدار و عزّت و حکومت برحقّی که آشکارش سازی و رحمتی که بر همه ما شامل گردد و لباس عاقبتی که ما را پوشاند؛ یاری فرما بحقّ رحمت بی نهایت ای مهربانترین مهربانان عالم.»

می بینید که چگونه این دعاها، یک انسان مؤمن را آماده و تشویق به فداکاری و ایثار می کند تا جائیکه شهادت در راه خدا، آرزوی او گردد و از درگاه احدیت بخواهد آنرا برآورد؟

ب - با بخشش مال به فقرا و محرومان، و اقدام واقعی به بذل و فداکاری و ایثار در مسیر خدا در حدود امکانات و شرائط.

پس در کارها و فعالیتهای خیریه اسلامی بکوشید و از حق و عدالت اجتماعی پشتیبانی و جانبداری کنید، و بامور

جامعه و اوضاع و حوادث جهان توجه داشته باشید. و گرنه هر که امروزه در مال خود بخل ورزد؛ فردا بخشش مشکل توان کرد و هر که اکنون از شرکت در کارهای نیک سر باز زند؛ در آینده نخستین فراری میدان کارزار خواهد بود، و آنکه به اوضاع و احوال زمانه توجه و در حقایق جامعه خود تفکر نکند، هرگز در حین وحدت جهان و برقراری حکومت جهانی، زیر سایه پرچم اسلام درنگ نخواهد نمود. هرگز شوخی و تعارف و خواهش نمی تواند جایگزین کار مجدانه باشد؛ چه قرآن مجید بما درباره قومی که از بذل و بخشش در راه خدا خودداری می کردند، به این امید که در آینده موفق به عطا و بخشش گردند و همزمان با تغییر شرائط، اوضاعشان بهبود یابد؛ خبر می دهد. لیکن چون روحیه آنان سابقه ایثار و فداکاری نداشته و گرایش بسوی عطا و بخشش از خود نشان نداده است در این امر موفق نخواهند بود.

بفرموده خدای تعالی:

«وَمِنْهُمْ مَّنْ عَاهَدَ اللّٰهَ لَئِنِ آتَانَا مِنْ فَضْلِهِ لَنَصَّدَّقَنَّ وَلَنَكُونَنَّ مِنَ الصّٰلِحِيْنَ. فَلَمَّا آتَاهُمْ مِنْ فَضْلِهِ بَخِلُوْا بِهِ وَتَوَلَّوْا وَهُمْ مُّعْرِضُوْنَ.»<sup>۱</sup>

«برخی از آنان بدینسان با خدا پیمان بستند که از نعمت و رحمتی نصیب ما باشد البته پیغمبر (ص) را تصدیق کرده و از نیکان می شویم. و با این عهد و پیمان باز چون فضل و

۱. قرآن کریم، سوره توبه، آیات ۷۵ و ۷۶.

نعمت خدا نصیب آنان گشت برآن بخل ورزیدند و از دین  
روی گردانیده و از حق اعراض کردند.»

۳ - فراهم نمودن زمینه برای ظهور امام مهدی علیه السلام:  
مأموریت اساسی امام مهدی بهنگام ظهور، همانا  
انتشار حق و عدالت، و تأسیس یک حکومت و دولت جهانی  
اسلامی برای همه مردم است. پس بر انسان مؤمن واجب است  
برای انجام این مأموریت خطیر، با انتشار آگاهی درست  
اسلامی در وسیع ترین سطح جهانی و ایجاد هسته جامعه  
اسلامی که خواست امام است؛ زمینه سازی کند.

پس هرگاه مردم با ایمان، مسیر تلاش و مبارزه را  
برای تحقق پیام خدا و مبدل کردن آن بیک عینیت زنده  
اجتماعی آغاز کردند؛ امام مهدی علیه السلام در هنگام ظهور  
آن راه را به پایان برده و همراه یارانش دست به فتوحات قاطع  
جهانی خواهد زد.

یک دسته از روایات اسلامی موجود است که باین  
حقیقت اشاره می کند همچون روایتی که از پیامبر صلی الله  
علیه و آله نقل شده است که:

«يَأْتِي قَوْمٌ مِنْ قِبَلِ الْمَشْرِقِ وَمَعَهُمْ رَايَاتٌ سُودٌ،  
فَيَسْأَلُونَ الْخَيْرَ فَلَا يُعْطَوْنَ، فَيُقَاتِلُونَ فَيُنْصَرُونَ،  
فَيُعْطُونَ مَا سَأَلُوهُ، فَلَا يَقْبَلُونَهُ حَتَّى يَدْفَعُوهَا  
إِلَى رَجُلٍ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي، فَيَمْلُؤُهَا قِسْطًا كَمَا  
مَلَّوْهَا جَوْرًا، فَمَنْ أَدْرَكَ ذَلِكَ مِنْكُمْ فَلْيَأْتِنِي» وَ

لَوْحَبُوا عَلَيَّ التَّلِيحُ.»<sup>۱</sup>

«مردمی از مشرق می آیند با پرچمهای سیاه در دست و سپس سراغ خیر و نیکی را می گیرند ولی نصیبشان نمی شود پس به جنگ برخاسته پیروز می شوند و بخواسته خود می رسند ولی از قبول آن اعراض می کنند تا آنرا بدست مردی از اهل بیتم میدهند. پس او عدل را در زمین می گسترانند پس از آنکه ظلم آنرا دربر گرفته بود. پس هر که از شما آن زمان را درک نمود بر او لازم است که حتی سینه خیز هم که شده بسوی آنان روی آورد.»

و نیز از امام باقر علیه السلام منقول است که:

«كَأَنِّي بِقَوْمٍ قَدْ خَرَجُوا بِالْمَشْرِقِ يَطْلُبُونَ الْحَقَّ  
فَلَا يُعْطَوْنَهُ، ثُمَّ يَطْلُبُونَهُ فَلَا يُعْطَوْنَهُ، فَإِذَا رَأَوْا  
ذَلِكَ وَضَعُوا سُيُوفَهُمْ عَلَىٰ عَوَاتِقِهِمْ، فَيُعْطَوْنَ مَا  
سَأَلُوا، فَلَا يَقْبَلُونَ حَتَّىٰ يُقِيمُوا، وَلَا يَدُ فَعُونَهَا إِلَّا  
إِلَىٰ صَاحِبِكُمْ (يَعْنِي الْإِمَامَ الْمُنتَظَرَ) فَتَلَاهُمْ  
شُهَدَاءُ.»

«قومی را در خاوران می بینم جو یای حق ولی بآنان داده نمی شود، چون باز خواهند بازهم به آنان داده نمی شود. چون آن بینند شمشیر کشیده (شمشیرهای خود را به نشانه جنگ روی شانه های خود می گذارند) آنگاه به خواسته خویش دست می یابند ولی از قبول آن اعراض می کنند

مگر اینکه به رهبری صاحب شما (حضرت مهدی علیه السلام) قیام کننده کشتگان آنان در شمار شهداء اند.»

و نیز در روایات گذشته منقول از امام سجاد علیه السلام داشتیم که حضرتش درباره مردم با ایمان عصر غیبت چنین فرمود:

«أُولَئِكَ هُمُ الْمُخْلِصُونَ حَقًّا، وَالِدُعَاةُ إِلَى اللَّهِ سِرًّا  
وَجَهْرًا.»

«آنان وفاداران واقعی اند و در نهان و آشکار دعوت به خدا کنند.»

خدایا ما را از آنان بدار



فهرست  
انتشارات آفاق



نشر آفاق

پیرامون معرفت امام

آیه الله صافی گلپایگانی

علم کلام جلد دوم: «نبوت عامه»

مرحوم استاد سید احمد صفائی

حاکمیت در اسلام

حجة الاسلام محمد مهدی موسوی خلیفانی

هشام بن الحکم، مدافع حریم ولایت

مرحوم استاد سید احمد صفائی

الهدی الی دین المصطفی جلد اول

علامه فقید شیخ محمد جواد بلاغی

ترجمه: مرحوم استاد سید احمد صفائی

علی علیه السلام، معیار کمال

دکتر رجبعلی مظلومی

درسهای رمضان

دکتر رجبعلی مظلومی

با دنیای کودک آشنا شویم

ترجمه و تنظیم: سید خلیل خلیلیان

ذهنیت مستشرقین و اصالت مهدویت

حسین منتظر

امام مهدی امید ملتها

حسن موسی الصفار

ترجمه: محمد علی مجیدیان

بیائید به حرف بچه‌ها مان گوش کنیم

دکتر رجبعلی مظلومی

دین و جوان

دکتر رجبعلی مظلومی

پژوهشی پیرامون آخرین کتاب الهی (چهار جلد)

دکتر رجبعلی مظلومی

گامی در مسیر تربیت اسلامی (دو جلد)

دکتر رجبعلی مظلومی

انقلابگر پیروز

مسعود شریعت پناهی

هشدار از امیر مؤمنان به فرماندار بصره

حجة الاسلام علی کریمی جهرمی

بقیة الله (ارواحنا فداه) «مجموعه مقالات»

نور مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) (مجموعه مقالات)

آخرین تحول با حکومت ولی عصر (علیه السلام)

زیر نظر: حجة الاسلام سید محمد مهدی موسوی خلخالی